



# انترناسیونال

## ۳۵۴

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم جنبش  
بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۴ تیر ۱۳۸۹، ۲۵ ژوئن ۲۰۱۰

www.m-hekmat.com

سردبیر: کاظم نیکخواه Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com جمعه ها منتشر میشود

### اعلام جرم علیه سران جمهوری اسلامی به اتهام یکی از بزرگترین قتل عامهای پس از جنگ دوم جهانی!

سال ۵۸ گرفته، تا کشتار دانشجویان در "انقلاب فرهنگی" سال ۵۹ و قتل عام هزاران نفر در سالهای ۶۰ تا ۶۳، تا اعدام های تابستان خونین ۶۷، هیچ يك بر دولتها و مراجع بین المللی پنهان نبوده است. آنچه اکنون بخش هایی از این هالوکاست اسلامی را به نشریات بین المللی

انتشار این گزارش را باید شمره مستقیم مبارزه و انقلاب جاری مردم علیه جمهوری اسلامی و خواست مسلم مردم ایران مبنی بر محاکمه آمرین و عاملین کشتارهای جمهوری اسلامی در ۳۱ سال گذشته دانست. روشن است که جنایات جمهوری اسلامی - از به گلوله بستن کارگران بیکار و بمباران سنندج در

سیاسی در ایران را که با دستور مستقیم خمینی صورت گرفت "یکی از بزرگترین قتل عام های پس از جنگ جهانی دوم" قلمداد کرده و خواهان محاکمه علی خامنه ای، اکبر رفسنجانی، میرحسین موسوی و دیگر مقامات قضایی و اجرایی وقت جمهوری اسلامی شده است.

در هفته اخیر خلاصه گزارش يك حقوقدان سرشناس بین المللی بنام "جفری روبرتسون" در باره جنایات جمهوری اسلامی در دهه ۶۰ و بویژه قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ در چند روزنامه از جمله "گاردین" منتشر شد. "روبرتسون" کشتار زندانیان

### زننده باد ۱۸ تیر! روزی برای گسترش انقلاب مردم علیه رژیم مفلوک اسلامی!

صفحه ۱۲



### ۲۰ ژوئن موفقیتی بزرگ علیه قوانین اسلامی و شریعه در لندن

مذهب در بریتانیا و دیگر کشورها نشان داده و خواستار قوانین جهانشمول و سکولار گردند. يك گزارش تازه تحت عنوان "قانون شرع در بریتانیا خطری بر علیه يك قانون برای همه و حقوق برابر" در

مریم نمازی روز بیستم ژوئن (۳۰ خرداد) چند صد نفر به جنبش "يك قانون برای همه" در داویننگ استریت پیوستند تا مخالفتشان را با قانون شرع و سایر قوانین مبتنی بر

### انزوای بین المللی جمهوری اسلامی

کاظم نیکخواه

فشار بین المللی بر جمهوری اسلامی در سطح بین المللی این بار از همیشه بیشتر شده است. تحریمهای اقتصادی به صورت دوبله دارد تصویب میشود. شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه چهارم را علیه نهادهای وابسته بحکومت از جمله بانکها و يك سری نهادهای اقتصادی وابسته به پاسداران و مقامات و دست اندرکاران حکومت را تصویب کرده است. کشتی ها و کلا محموله هایی که به قصد ایران بازرگاری میکنند بازرسی خواهند شد. اتحادیه اروپا راسا مصوبات شدید تری را بر علیه ایران به تصویب رسانده است که حتی نفت و گاز ایران را در برمیگیرد. کنگره آمریکا نیز در حال تصویب طرحی در جهت فشار به همه شرکتهایی است که با ایران مراودات اقتصادی بر قرار میکنند. همراهی روسیه و چین با تحریمها علیه جمهوری اسلامی مشکل جدی ای برای حکومت ایجاد کرده است. این فشارها که این بار با مساله بازکردن پرونده کشتارهای سال ۶۷ نیز همراه شده است، راه بازگشت و عقب نشینی جمهوری اسلامی را نیز چندان باز نگذاشته است. حتی وقتی که جمهوری

### بازتاب هفته

دعواها ادامه دارد، این بار...  
کشف معادن در افغانستان چه آینده ای...  
بهرروز مهرآبادی  
محمد شکوهی  
احمد فاطمی  
جدالی ناتمام با مدافعان توحش  
اعتراض هشتصد هزار کارگر نساجی در...  
بهرروز مهرآبادی  
صفحات ۵-۴

### گزارش به پلنوم ۳۴ کمیته مرکزی حزب ۵ و ۶ جون ۲۰۱۰

فعالین حزب در تظاهرات ها، در زندانها، در تبلیغ و ترویج اهداف حزب و پیشبرد سیاست ها و فراخوان های حزب بی وقفه مشغول فعالیت بوده اند و در ابعاد قابل ملاحظه ای نقش ایفا کرده

اصغر کریمی در فاصله شش ماه گذشته یعنی از کنگره هفتم تا امروز حزب درگیر فعالیت های بسیار متنوع در عرصه های مختلف بوده است. در داخل و خارج،

- پیام سوم مادر فرزاد کمانگر! به همه آزادیخواهان و انسان دوستان جهان. من افتخار می کنم که فرزند من برادر و فرزند همه آزادیخواهان جهان شد - صفحه ۲  
- گزارشتی از سراسر دنیا از برگزاری مراسم و میتینگ های اعتراضی ۳۰ خرداد - صفحات ۱۰-۹  
- گزارشی از سخنرانی مینا احدی در شهر زیگن، صفحه ۱۱  
- کمکهای مالی به کانال جدید، صفحه ۱۰  
- طلب عفو و بخشش از مردم در عین... هادی وقفی، صفحه ۳

### هجده تیر را به نقطه عطف دیگری در مبارزاتمان تبدیل کنیم

اعتراض خود علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی تبدیل کردند میگذرد. روز نه به جمهوری اسلامی که هر سال در سالگردش مردم و در صف مقدم

شهلا دانشفر یازده سال از ۱۸ تیر ۷۸، روزی که دانشجویان و مردم ایران در تهران و در هجده شهر دیگر به خیابان آمدند و این روز را به روز

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## انزوای بین المللی ...

از صفحه ۱



کازم نیکخواه

اسلامی که از زبان خامنه ای هرگونه سازش بر سر مبادله سوخت را خیانت خوانده بود، در کنفرانس تهران با شرکت برزیل و ترکیه به غلط مردم افتاد و تا حد زیادی از این موضع عقب می نشیند، کسی در سطح بین المللی گوشش بدهکار نیست. قبلاً برای یک ذره بوی عقب نشینی حکومت هورا میکشیدند اما این بار عقب نشینی واقعی گرچه محدودش را هم نادیده گرفتند و آنرا به موضوع تحقیر سران حکومت تبدیل کردند. آنچه روشن است اینست که آشکارا تغییری در سیاست بین المللی نسبت به جمهوری اسلامی قابل مشاهده است. اگر کشودن پرونده اعدامهای سال ۶۷ توسط یک مقام سازمان ملل را مرتبط با دولتها و قدرتهای رسمی بین المللی بدانیم آنگاه سوالات متعددی مطرح میشود که غرب ودولتهای مختلف در رابطه با جمهوری اسلامی به کجا میخواهند بروند؟ آیا غرب از جمهوری اسلامی دست شسته است و میخواهد نوعی "رژیم پنج" را در ایران دنبال کند؟ و یا اینکه تمام بحث بطور واقعی فشاری مقطعی بر این حکومت برای وادار کردن آن به عقب نشینی بر سر مساله اتمی است؟ آنچه روشن است و بدون تردید میتوان بر آن تاکید گذاشت اینست که جنبش و خیزش انقلابی در یک سال اخیر بر سیاست دولتها در برخورد با جمهوری اسلامی تاثیر مستقیم دارد. اگر کسی از این دولتها ذره ای تردید داشت که این حکومت قادر به ادامه حیات نیست، اکنون در این مورد شك و تردیدی قاعدتاً نباید وجود داشته باشد. اما اینکه این قطعنامه ها و توافقات و اقدامات اخیر را در چارچوب یک استراتژی دراز مدت و کار شده برای تغییر رژیم قرار دهیم واقعی نیست. جبهه بورژوازی بین المللی وضعیتی چندان قابل تعریف ندارد. نه فقط مخمضه جنگ در عراق و افغانستان و اکنون پاکستان، جایی برای درگیر شدن جدی در یک جبهه جدید را ناممکن

میکند، بلکه رقابتهای بین المللی میان قدرتهای اروپایی و آمریکا با یکدیگر و با روسیه و چین و کشورهای متمایل به آنها از سوی دیگر نیز جایی برای جراحی سیاسی در کشوری مثل ایران را برای آنها باقی نمیگذارد. مهمتر از آن اینست که بورژوازی بین المللی هیچ آلترناتیو معتبری برای جانشینی جمهوری اسلامی ندارد. جریانان راست پروغرب و سلطنت طلب و لیبرال های گوناگون اپوزیسیون جایی در صحنه سیاسی ایران ندارند که بخواهند در راس استراتژی غرب، اوضاع سیاسی ایران را در کنترل بگیرند. فضای سیاسی ایران رادیکال تر از آن است که بشود با توطئه های نوع نوفل لوشاتو یا امثال آنها از بالای سر مردم کاری انجام داد و معضل انقلاب و چپ و کارگران را برای بورژوازی بین المللی حل کرد. بنابراین بحثی بر سر استراتژی بورژوایی تغییر رژیم از جانب دولتهای غرب و هم پیمانانشان نیست. بلکه بحث بر سر اینست که در فضایی که انقلاب تاکنون علیه جمهوری اسلامی ایجاد کرده، دیگر سرمایه گذاری برای دوره ای از بقا یا تثبیت جمهوری اسلامی برای غرب کلاً منتفی شده است. یعنی دولتهای اصلی غرب به نظر من به این باور رسیده اند که جمهوری اسلامی آینده ای در ایران ندارد و هرچند وقت هم که بتواند خود را در قدرت نگه دارد، تنها در فضایی از تنش و انقلاب و بحران و نزاعهای داخلی خواهد بود و هر دولت و قدرتی که بخواهد در آینده ایران جا پای داشته باشد باید فاکتور فضای انقلابی را بحساب آورد و تخم مرغهایش را در سبد این حکومت نگذارد. کل هماهنگی و اتحادی که اکنون علیه جمهوری اسلامی در سطح دولتها ایجاد شده را باید از همین زاویه دید. حتی همکاری روسیه و چین و برخی کشورهای دیگر با تحریم جمهوری اسلامی را نیز باید در همین راستا به حساب آورد. به بیان دیگر بورژوازی بین المللی اولاً از جمهوری اسلامی قطع امید کرده است، ثانیاً استراتژی ای در قبال بحران سیاسی در ایران و فضای سرنگونی جمهوری اسلامی ندارد. و سوم اینکه هر دولتی به صلاح خود می بیند که فاصله خود را با حکومت نشان دهد و بعنوان مخالف جمهوری اسلامی در انتظار عمومی و فعالان سیاسی شناخته شود. در این فضا است که عقب راندن جمهوری اسلامی بر سر مساله اتمی

## پیام سوم مادر فرزند کمانگر! به همه آزادیخواهان و انسان دوستان جهان. من افتخار می کنم که فرزند من برادر و فرزند همه آزادیخواهان جهان شد



این پیام مرا به سراسر جهان برسانید. می خواهم این پیام به گوش نه فقط مردمی که در کشور محل سکونت تو هستند، بلکه به هر جا و مکانی که انسانها در آنجا زندگی می کنند رسانده شود. می خواهم این پیام مرا به زبانهای مختلف به گوش مردم دنیا برسانید تا به زبان خودشان پیام مرا بخوانند. اگر اجازه داشته باشم از طرف همه این عزیزان (خواهران و مادران داغدار) و همه کسانی که جگر گوشه هایشان در این سی سال کشته شده، باید بگویم که ما مادران داغدار نیستیم بلکه ما، مادران افتخاریم.

از هر مادری که عزیزش را کشته اند پرسید، پسر تو یا دخترت را چرا کشتند؟ یا چرا جگر گوشه ات در زندان است؟ پاسخ این است. فرزند من بیگناه است. فرزند من بیگناه بود. تنها گناه او دفاع از انسان بوده است. اما امروزه در جایی که ما زندگی می کنیم دفاع از انسان جرم محسوب می شود. عزیزان از این پس شماها باید خیلی کارها را برای من بکنید. عزیز تو باید بیشتر از همه فعالیت بکنید. بدان که فرزند نمرده است. من نمی توانم و امکان این را ندارم. تلفن را بر دارم و به همکارانم مادراتی که در دنیا مثل من هستند بگویم که عزیزان ما همه با هم یکی هستیم.

فرزندان ما همه برای یک هدف کشته شدند. برای یک چیز زندانی شدند و برای یک چیز در زندان هستند، برای آزادی، فقط برای آزادی انسان. تا به هم! آن عزیزان بگویم فرزندان شما برای دفاع از ما همچنانکه فرزندان ما برای دفاع از شما این راه را انتخاب کردند. پس ما همه با هم یکی هستیم. ما اسم همدیگر را نمی دانیم اما درد همدیگر را خوب می دانیم.

ارزیابی کنند. دخالتگری هرچه بیشتر مردم و جریان چپ در انزوای جمهوری اسلامی و به قولی به زیر کشیدن جمهوری اسلامی در سطح بین المللی آن چیزی است که میتواند بطور جدی مانع توطئه گریهای احتمالی دولتها و کل جبهه بورژوایی علیه انقلاب و مردم ایران شود. چنین فضایی تاثیر مستقیمی در عین حال بر خیزش انقلابی مردم در داخل ایران خواهد داشت.

سانسور و ستمگری و تبعیض و بی حقوقی است. اگر جمهوری اسلامی در سطح بین المللی منزوی و زیر فشار باشد مردم انقلابی با سهولت بیشتری میتوانند راه پیشروی خود را بکشایند. باید کاری کرد که دولتها برایشان همکاری و همراهی با حکومت اسلامی بهیچ وجه بی درد سر نباشد. باید فضایی ایجاد کرد که جهانیان هر مرآده ای با جمهوری اسلامی را نفرت آور و منزجر کننده

## هجده تیر را به نقطه عطف دیگری در ...

از صفحه ۱  
شهلا دانشفر



آن دانشجویان جمع میشوند و فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی سر میدهند. سال ۸۸ نقطه اوجی بود بر جنبش انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی و امسال پس از یکسال از خیزش انقلابی مان به استقبال این روز مهم میرویم. ۱۸ تیر سال گذشته ما شاهد صحنه درگیری مردم با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و در ابعادی بسیار گسترده شاهد تکرار اتفاقی بودیم که در ۱۸ تیر ۷۸ افتاد. سال ۸۸ سال شروع خیزش انقلابی مردم در ابعادی میلیونی بود که مردم شجاعانه به خیابان آمدند و شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند و ۱۸ تیر یکی از این روزهای با شکوه بود. در ادامه این تحولات است که امسال به استقبال ۱۸ تیر میرویم. امروز در شرایطی که جنگ درون حاکمیت به اوج خود رسیده است. دارودسته های حکومتی علیه یکدیگر مقابل مجلس اسلامی شان تظاهرات راه می اندازند و حکم اعدام

دیگر سالهاست که این روز بعنوان روز اعتراض مردم علیه جمهوری اسلامی ثبت شده است و امروز این کل جامعه است که به اعتراض در آمده و با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی فرمان به رفتن این رژیم داده است. هجده تیر امسال را به یک روز اعتراض وسیع برای آزادی زندانیان سیاسی و اعتراض به سرکوب های رژیم تبدیل کنیم و با شعار جمهوری اسلامی نمیخواهیم این روز را به نقطه عطفی دیگر در مبارزاتمان تبدیل کنیم.

یک سیاست جمهوری اسلامی در تقابل با تظاهرات گسترده هجده تیر تعطیلی زودتر دانشگاهها و مدارس است. این سیاستی است که جمهوری اسلامی بویژه در چند ساله اخیر اتخاذ کرده است. جدا از دانشگاهها بردن اعتراض به محلات و جلو افتادن جوانان و دانشجویان در حرکات اعتراضی این روز یک راه مهم خنثی کردن این سیاست رژیم است. تظاهرات های شبانه، حجاب برگیران در محلات و در اماکن عمومی و براه انداختن آکسیونهای موضعی، پر کردن در و دیوار با شعار جمهوری اسلامی نمیخواهیم، زنده باد آزادی و برابری، زنده باد حکومت انسانی، پخش وسیع تراکتهای اعتراضی به

## طلب عفو و بخشش از مردم در عین پذیرش اصل نظام!



هادی وفاقی

دریغ دارد؛ امکان گفت و گو حتی در دشوارترین شرایط. با توجه به اینکه من و دوستانم نه به علت مبارزه با نظام بلکه بدلیل فعالیت در جهت پویایی و شکوفایی آن به زندان افتاده بودیم، با بازجویان درباره اصل نظام اختلاف نداشتیم! تاج زاده در همان ابتدای نوشته اش، بطور کاملاً روشنی، بی ربطی، فرصت طلبی و ارتجاع تمام و کمال دوم خردادی های سابق و "جنبش سبز"ی های امروز را به مبارزه مردم آشکار می کند. "حفظ نظام و تلاش در جهت پویایی و شکوفایی" تمام این دستگاه کشتار و غارت مذهبی. تلاش برای پویایی و شکوفایی تمام این بساط قصاص مذهبی، بی حقوقی زن و - آنچنان که خودش اعتراف می کند - تحمیل یک سبک زندگی به شهروندان و دخالت در حریم خصوصی آنان. حفظ اصل نظام. این، تمام ایده آلی است که جناب تاج زاده - تازه - پس از مشاهده انواع و اقسام جنایات و وحشی گریهای این حکومت در طول یکسال گذشته - در خیابانها و زندانها - به مردم وعده می دهد و در عین حال، از آنها پوزش می خواهد! سید مصطفی تاج زاده در

## اعلام جرم علیه ...

می برد و حقوقدانان رسمی سازمان ملل را به صرافت تشکیل پرونده علیه سران رژیم به جرم جنایت علیه بشریت می اندازد، اثرات انقلاب عظیم مردم علیه جمهوری اسلامی است. ناشی از این واقعیت است که مردم ایران در یکسال اخیر اولاً واقعیت تبیهکارانه رژیم اسلامی را در برابر چشم جهانیان قرار داده اند و افکار عمومی جهانی به عمق فاجعه تاریخ معاصر بشر که جمهوری اسلامی نام دارد پی برده است. ثانیاً، انقلاب مردم نشان داده است که جمهوری اسلامی در هیچ تعبیر و تفسیری، چه تعبیر خامنه ای و احمدی نژاد و رفسنجانی و چه روایت موسوی، امکان بقاء ندارد.

حزب کمونیست کارگری همصدا با میلیونها مردم قربانی ۳۱ سال جنایت علیه بشریت که اکنون برای به زیر کشیدن "رژیم صد هزار اعدام" بپا خاسته اند اعلام میکند که انتشار مناسبت این روز و تراکت ده خواست فوری مردم که بر خواستهای فوری کل جامعه تاکید میکند، نوشتن شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد بر در و دیوار از جمله کارهایی است که میتوان به مناسبت این روز انجام داد.

نوشته اش به خطاهای خود در اوایل انقلاب و سکوت در مقابل فرمان کشتارهای دسته جمعی خمینی جنایتکار اشاره کرده و به سیاق تمام باصلاح اصلاح طلبان و دوم خردادی ها، آن خطاها یا بعبارت بهتر سرکوب ها، اعدام ها و کشتارهای دسته جمعی مخالفان را ناشی از حاکمیت "گفتمان و شرایط انقلابی" در آن دوره می داند و خطاب به بازجویانش که اعدام ها و کشتارهای دوره خمینی را به او یادآور می شوند تا جنایات و وحشی گریهای خودشان را توجیه کنند، می گوید: "سکوت تأیید آمیز درباره نحوه محاکمات دادگاه انقلاب خطای ما بود... باید از همه سیاسیونی که خواهان فعالیت قانونی بودند و حقوقشان به بهانه های مختلف نقض شد، پوزش طلبید. همچنین باید از تحمیل یک سبک زندگی به شهروندان و دخالت در حریم خصوصی آنان معذرت خواست".

باید گفت آنچه تاج زاده و سایر دوستان و همپالگی های سیاسی اش را به صرافت اعتراف به کشتارها و جنایات رژیم اسلامی و طلب بخشش از مردم انداخته، سبیل انقلابی است که

از صفحه ۱

گزارش اخیر زمینه مساعدتری فراهم میکند تا فعالیت خود برای فراهم کردن شرایط محاکمه آمرین و عاملین جنایات تمام سالهای جمهوری اسلامی را گسترش دهد. حزب همه مردم آزاده در داخل و خارج کشور و همه نیروهای سیاسی ضد جمهوری اسلامی را فرامیخواند تا فعالانه تر به تلاش برای رسوا کردن جانینان اسلامی و تدارک محاکمه قاتلان بهترین فرزندان مردم که هنوز کسی نمی داند که بسیاری از آنها در کجا خاک شده اند، بپیوندند. این تلاشی است که جمهوری اسلامی را به پایان عمر ننگین خود نزدیکتر میکند و برپا کردن چنین رژیم های جنایتکاری را در هر گوشه دنیا که باشد دشوارتر میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۹ خرداد ۱۳۸۹، ۱۹ ژوئن ۲۰۱۰

از هم اکنون فضای تمام شهرها و همه محلات را با شعارهایمان و با پخش تراکتهایمان به رنگ اعتراض این روز درآوریم و با صفی متحد به استقبال هجده تیر برویم.\*

گرفتار ساخته و تاج زاده و سایر داعیه داران "جنبش سبز" را به هذیان گویی و عاقبت اندیشی واداشته است. عجز و لابه ای از سر ترس و در ماندگی. از سر مشاهده "آتش زیر خاکستر" در جامعه ایران و استیصال یک حکومت تا دندان مسلح در برابر مردمی که مدتهاست از چرندیات امثال تاج زاده عبور کرده اند. مدتهاست از این نظام عبور کرده اند. مردمی که خشمگین و عصبانی اند و مترصد فرصتی که اصل این نظام را پایین بکشند و حکومتی که تمام دم و دستگاه سرکوبش براه است تا بلکه یک روز بیشتر عمر کند. خود تاج زاده در انتهای "تناقض نامه" اش اعتراف می کند که نمی تواند "شکل بروز جمعی و مرئی آن تحول نامرئی و نیرومند" را حدس بزند. تحولی نامرئی و نیرومند که حیفش می آید آن را "آتش زیر خاکستر" بنامد! انقلاب! سرنگونی حکومت مذهبی ولی فقیه بقدرت و اراده مردم. این، شکل بروز جمعی و مرئی آن تحول نامرئی و نیرومند است.\* (توضیح: این نوشته برای شماره قبل ارسال شده بود ولی متأسفانه از قلم افتاده بود و آنرا در این شماره چاپ کردیم.)

## بازتاب هفته

### دعواها ادامه دارد،

#### این بار ...

#### یاشار سهندی

به عنوان يك موسسه غیرتجاری با دارایی دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان ثبت شد. بواسطه همین بنیان استثماری است که دانشگاه آزاد در طی سه دهه اکنون صاحب حدود ۲۵۰ هزار میلیارد تومان یا ۲۵۰ میلیارد دلار (اكو نیوز، ۲۵ آذر ۱۳۸۸؛ تقریباً مساوی با بودجه يك سال كشور) سرمایه و دارایی شده است. دانشگاه آزاد دارای حدود ۴۰۰ واحد آموزشی در ۱۴۴ شهر است. این ارقام همه طرف های درگیر در حاکمیت را برای در اختیار داشتن و استفاده از آنها در رقابت های سیاسی وسوسه می کند.

موسسان دانشگاه آزاد با وقوف به تقاضای بسیار بالا برای حضور در دانشگاه (بخش دولتی معمولاً حدود ده درصد متقاضیان را جذب می کرده است) از این امر استفاده کرده و آموزش عالی را به حوزه ای پر سود و منفعت با اتکا بر منابع عمومی تبدیل کردند. دانشگاه آزاد از اساتیدی استفاده می کرده که عموماً با هزینه های عمومی مدارک خود را کسب کرده اند و دانشگاه آزاد هیچ گونه سرمایه گذاری بر روی آنها انجام نداده است. همچنین دانشگاه آزاد از اموال و املاک دولتی و بخش عمومی برای کسب درآمد استفاده می کرده است.

رفسنجانی و شرکا وقتی فهمیدند که قرار نیست دیگر این دیگ برای آنها بجوشد کلیه اموال این دانشگاه را "وقف" کردند تا دست رقبای به راحتی به آن نرسد. کار به دادگاه کشید و دادگاه به نفع باند رفسنجانی رای داد. بعد از آن مجلس اسلامی نیز مصوبات "شورای انقلاب فرهنگی" را معتبر ندانست. مصوباتی که دست احمدی نژاد را باز میگذاشت تا دانشگاه آزاد را مصادره کند. وقتی احمدی نژاد دید که دارد سرش بی کلاه می ماند به سلحه سی ساله حکومت متوسل شد و گله های حزب الله را به جلو مجلس کشاند. آنها پلاکارد در دست گرفته بودند که "لاریجانی تو غلط کردی که حکم ولی فقیه را به رای گذاشتی" و "سران مافیای اقتصادی" را به اعدام تهدید کردند. نمایندگان

مخالف مصوبه رسماً بر علیه رییس مجلس سخنرانی کردند و او را "غیر ولایی" معرفی کردند. در درون مجلس اسلامی به یکدیگر فحشهای رکیک دادند و یکدیگر را عامل بیگانگان معرفی کردند. لاریجانی از خود دفاع کرده و میگوید: حکم ولایی وجود نداشت و گر نه طرح مزبور به همان شیوه ای که کروی طرح اصلاح قانون مطبوعات را به "حکم حکومتی ولی فقیه" در سطل اشغال انداخت این طرح نیز به همان سرنوشت دچار میشود.

تمام اهمیت قضیه اینجاست که این دعوی بر سر اموال عمومی نشان از تشنه رو به فزاینده داخل حکومت دارد که هر روزی به یک بهانه ای خودش را نشان میدهد. دیگر هیچ بانندی حرف دیگری را قبول ندارد. خامنه ای که تاکنون آشکارا طرف احمدی نژاد و باندهایش را گرفته بود این بار در کسوت "مقام عظمای ولایت" همه را به "حفظ وحدت، همدلی و انسجام در جامعه و پرهیز از هرگونه اختلاف و شکاف در این برهه حساس" فرا خوانده است. "در این برهه حساس" اشاره خامنه ای به تهدید به سرنگونی از سوی مردم به جان آمده است. "حکم ولایی" اما دیگر کارساز نیست. از ۱۴ خرداد به اینطرف درگیریهای داخل حکومت هر روز شدیدتر از پیش عیان میشود. تهدید به توپ بستن مجلس از سوی بانندی از جناح حاکم نشان از اوج درماندگی این رژیم است. این رژیم هر چند وقت یکبار موشکی هوا میکند تا مثلاً نشان دهد خیلی جای پایش محکم است اما وقایعی از این دست تایید این است که کار از این حرفها گذشته است. اگر امروز حکومت از سلاخی که همیشه بر علیه مردم استفاده میکرد اکنون بر علیه رقبای داخل حکومت استفاده میکند نشان از گسیختگی شیرازه این حکومت است. رقابت بر سر رسوای عمومی همزاد این رژیم است منتها همیشه این اختلافات را "پشت پرده" با تهدید و شکنجه و قتل به سرانجام میرسانند. اما اکنون به خاطر فشار یکساله جنبش انقلابی دیگر نمی توانند به شیوه سابق حل و فصل کنند. اینکه کدام باند موفق میشود بر دانشگاه آزاد اسلامی مسلط شود

ابداً مهم نیست چون درهر صورت آنچه غارت خواهد شد ثروت جامعه است. اما آنچه مهم است این وقایع نشان میدهد که آتشی که مردم برافروختند دیگر خاموش شدنی نیست. این آتش شاید الان به شکل آتش زیر خاکستر باشد اما همین نیز غارتگران و متجاوزان را دیوانه کرده است که در خیابان از دهان حزب الله حکم مرگ همدیگر را داد میزنند\*

### کشف معادن در افغانستان

#### چه آینده ای نوید

#### می دهد؟



بهروز مهر آبادی

روزنامه نیویورک تایمز بقول از مقامات آمریکایی خبر از وجود معادن غنی فلزاتی از قبیل لیتیموم، طلا، مس، آهن و اورانیوم در افغانستان دادند. قبلاً هم خبر وجود منابع بزرگ گاز و نفت در شمال افغانستان منتشر شده بود. ارزش این منابع بین یک تا سه هزار میلیارد دلار تخمین زده شده است. برای پی بردن به اهمیت و ابعاد اقتصادی این کشف برای افغانستان میتوان تولید ناخالص ملی افغانستان را در نظر گرفت که تقریباً ۱۲ میلیون دلار در سال است که با مقایسه آن می توان حجم این معادن را دریافت. وجود این منابع قبلاً هم مطرح شده بود. گفته می شود که تحقیقات و گزارشات روسها در زمان تسلط آنها بر افغانستان کمک زیادی به کارشان پنتاگون در مورد

شناسائی این معادن، نموده است. دلیل واقعی اینکه چرا امروز بر سر این مسئله سر و صدا به راه افتاده است معلوم نیست. شاید این کار بتواند توجیه مناسبی برای ادامه حضور نظامی آمریکا و متحدانش در افغانستان باشد و بتواند اعتراضات بعضی از مخالفان را در داخل آمریکا خاموش کند. امکان آغاز جدالهای تازه و حملات جدید طالبان برای سهم خواهی از این منابع سرشار هم مطرح شده است. گرچه حضور نظامی آمریکا در افغانستان اساساً دلایل سیاسی و استراتژیک دیگری دارد اما با کشف ثروتهای عظیمی در افغانستانی که شیرازه اش از هم گسیخته شده است، یک فاکتور اقتصادی هم میتواند به فاکتورهای دیگری برای تداوم جنگ ویرانی و کشتار و نابودی زندگی انسانها توسط دو جبهه تروریست اسلامی و غربی افزوده شود. برخی خبرگزاری ها وجود لیتیموم برای افغانستان را با نفت برای عربستان مقایسه کردند و صحبت از ثروتمندتر شدن افغانستان نمودند. لیتیموم از مهمترین فلزات مورد مصرف صنایع است که برای ساختن باتری های با عمر بالا استفاده می شود و اهمیت زیادی در اقتصاد جهانی دارد. اما این نویدی برای شیوخ و روسای قبایل و دست اندرکاران دولت افغانستان است که اخبار رشوه خواری ها و فساد گسترده مالی آن حتی موجب اعتراض مقامات آمریکائی هم شده است. بعید به نظر می رسد از این گنج تازه کشف شده اقتصادی چیزی جز تلفات بیشتر و فشار و مشقت بیشتر نصیب اکثریت مردم افغانستان و بویژه کارگران شود.

### آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

Email: [markazi.wpi@gmail.com](mailto:markazi.wpi@gmail.com)

### تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

### تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۶۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K , Box: 2110 , 127 02 Skärholmen - Sweden

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

## بازتاب هفته

### "هفته قوه قضائیه" جمهوری اسلامی



محمد شکوهی

برگردد...". همینکه اینها ناچارند در هفته قوه منفور قضائیه شان از جنایاتشان در کهریزک اعلام براءت کنند و از شورش در زندانها و بازگرداندن ابهت زندانبانان سخن بگویند، از خود دفاع کنند که شکنجه گریستنند، و رهبر و ولی فقیه شان را هم با رفت و مهربان توصیف میکنند، برای هر کسی روشن میکنند که جو اعتراضی جامعه چه فشار خرد کننده ای را بر این جانیان منحوس گذاشته است. حسابشان را قطعاً مردم به جان آمده و خشمگین بزودی با حمله به کل این دستگاه جنایت و کشتار و بیرحمی خواهند داد. اینک که جانوران درنده خوبی نظیر اینها بعنوان "قوه قضائیه" در گوشه ای از جهان حکم میرانند، و عقب مانده ترین سنتهای عهد عتیقی را بعنوان قانون در یک جامعه به اجرا گذاشته اند، بخودی خود توهینی به کل بشریت است. \*

### جدالی ناتمام با مدافعان

#### توحش



احمد فاطمی

مبارزه همجنسگرایان با شورای اسلامی نروژ که بطور جدی از سال ۲۰۰۷ آغاز شده بود طی ماههای اخیر با اعلام جرم علیه موجودی بنام محی الدین محمد وارد دور تازه ای میشود. این فرد یکی از سخنگویان اصلی تظاهراتی بود که پس از انتشار مجدد کاریکاتورهای محمد در نشریه داگ بلاد نروژ بر پا شد. این تظاهرات که در ماه فوریه در اوسلو پایتخت نروژ بطور قانونی و به ابتکار تنی چند از فعالین اسلامی و از جمله رهبر شناخته شده یکی از باندهای مافیایی اوسلو و یک تروریست پیشتر محاکمه و محکوم شده برگزار شد چه به دلیل شعارها و مضمون سخنانی ها و چه به خاطر مضمون کریه و نفرت انگیز گفتارها و مصاحبه های بعدی در رسانه های گروهی اسکاندیناوی انعکاس وسیعی پیدا کرد و از یکسو به اعلام جرم و یک جنبش اعتراضی علیه

یکی از مهره های اصلی گرداننده جنبش چاقو کشان اسلامی انجامید و از سوی دیگر پرونده مسکوت گذاشته شده "موضع شورای اسلامی نروژ در قبال اعدام همجنسگرایان" را از نو به پیش صحنه سیاسی و فرهنگی جامعه مدنی نروژ راند. مبارزه همجنسگرایان نروژ بر علیه جنایات رژیم های اسلامی و اسلام سیاسی در نوامبر سال ۲۰۰۷ به اوج تازه ای رسیده بود. در یک برنامه مجادله تلویزیونی، اتحادیه دانشجویان همجنسگرای نروژ به مساله اسلام و همجنسگرایی پرداختند و از جمله با غنیمت دانستن حضور نماینده شورای اسلامی نروژ در این جدال او را برای موضعگیری در قبال اعدام مردم به دلیل همجنسگرایی در کشورهای نظیر ایران و افغانستان و عربستان زیر فشار گذاشتند. آنچه که از نظر بینندگان که شوراها را اسلامی کشورهای اروپایی را تشکلهایی در چهارچوب و منطق با آزادیهای مدنی متداول در این کشورها و چیزی نظیر گروههای مدافع حق دسترسی عموم شهروندان به سواحل و غیره میدانستند، بی تردید غیر منتظره بود. یکدندگی نماینده شورای اسلامی نروژ در ندادن پاسخ به این سوال بسیار ساده، اما بسیار مربوط و موجه بود که: موضع شورای اسلامی در قبال کشتار و وحشیانه انسانها به دلیل جنسیت آنها چیست و آیا از نظر شورای نروژ همجنسگرایان حق زندگی دارند و یا باید اعدامشان کرد؟ پس از پخش این برنامه همه میدانستند که آمار رسمی تعداد همجنسگرایان اعدام شده توسط جمهوری اسلامی ایران تا آن هنگام ۴۰۰۰ نفر برآورد شده بود.

پس از پخش این برنامه و لاملانی تهوع آور نماینده شورا و جنجال رسانه های گروهی و بلند شدن فریاد اعتراض شهروندان و تهدید رسمی شورای اسلامی نروژ به قطع بودجه رسمی که از محل مالیات بردآمد شهروندان تامین میشود، این شورا ناچار به اتخاذ موضع رسمی در قبال این جنایت آشکار بر علیه کل بشریت گردید. موضعی که حتی از حفقان و لاملانی نماینده شورا هم مسخره تریود. دبیرشورای اسلامی نروژ یکی دو هفته بعد در نامه ای سرکشاده اطلاع داد که:

گرفت. کارگران در روز سه شنبه خیابانها را بستند و در مقابل یورش پلیس سنگر بندی کردند. تقریباً ۷۰۰ کارخانه و کارگاه تولید پوشاک بخاطر اعتصاب کارگران تعطیل شده است.

در خواست کارگران دریافت حداقل حقوق پنجاه هزار تاکا در ماه است که تقریباً معادل ۵۰ یورو می شود. تا سال ۲۰۰۶ حقوق کارگران نساجی در بنگلادش در حدود ۱۰ یورو در ماه بود. پس از اعتراضات وسیع و اعتصابات سراسری در پانزدهم ۲۰۰۶ دستمزد کارگران تقریباً به ماهی ۲۰ یورو رسید و تا بحال تغییری نکرده است. میزان حقوق در بنگلادش در پائین ترین سطح در دنیا است و با وجود تورم بین ۱۰ تا ۱۵ درصد حقوق این کارگران چند سال است تغییری نکرده است. کارگران صنایع نساجی با کمترین دستمزد و در بدترین شرایط کاری در خدمت بزرگترین شرکت های زنجیره ای لباس هستند. بطور مثال در ۱۱ آوریل ۲۰۰۶ تعداد ۶۴ نفر از کارگران کارخانه سپکتروم برادر ریزش آوار کشته و تعداد زیادی مجروح شدند. بسیاری از محصولات شرکت های بزرگ نظیر HM, Wal Mart, Carrefour, Gap, Tommy Hilfiger, Levi Strauss در بنگلادش تولید می شود.

خانواده پرسون که از سهامداران بزرگ شرکت سوئدی هنس موریتس HM هستند در سال گذشته تقریباً ششصد میلیون یورو سود دریافت کرده اند. این شرکت در سال ۲۰۰۸ رقمی کمتر از ۶۰ یورو به دولت بنگلادش مالیات پرداخت کرده است. هزاران کارگر بنگلادشی برای این شرکت لباس تولید می کنند. آقای استفان پرسون از مدیران این شرکت در یک مصاحبه مطبوعاتی با افتخار اعلام کرد که این شرکت در بنگلادش کار ایجاد کرده و صنایع نساجی این کشور را ترقی داده است. در آمد خانواده پرسون در سال گذشته از سود حاصله در صنایع نساجی بیشتر از مجموع دستمزد سه سال هشتصد هزار کارگر معترض صنایع نساجی بنگلادش است. مبارزات کارگران نساجی در بنگلادش همچنان ادامه دارد.

### اعتراض هشتصد هزار کارگر نساجی در بنگلادش

#### بهبود مهربادی

روز سه شنبه ۲۲ ژوئن ۲۰۰۸ هزار کارگر صنایع نساجی در بنگلادش اقدام به برگزاری تظاهرات های خیابانی کردند. اعتراضات کارگران برای افزایش حقوق خود که از چهار روز قبل در منطقه صنعتی آشلویا در حومه شهر داکا شروع شده بود با حمله پلیس ضد شورش، گلوله های پلاستیکی و گاز اشک آور پاسخ

## گزارش به پلنوم ۳۴...

از صفحه ۱



اصغر کریمی

اند. در این مدت جامعه به طور قابل توجهی به چپ چرخیده است. هرچند در چند ماه گذشته با سرکوب و حضور وسیع نیروهای سرکوب، خیابان را برای تظاهرات های توده ای از دست مردم درآورده اند اما روحیه مبارزاتی مردم بسیار بالا است و به اشکال مختلف اعتراض ادامه دارد. اعتراض گسترده علیه اعدام که از مرزهای ایران بسیار فراتر رفت و نقطه اوجش اعتصاب عمومی در کردستان به فراخوان کمونیست ها بود، یک شکل مهم ادامه انقلاب مردم بود که تاکنون اعتصاب عمومی را در سراسر کشور مورد توجه قرار داد. قبل از اعتصاب عمومی در کردستان، تظاهرات ها و قطعنامه های اول مه بود که نشان از تب و تاب مبارزه و چپ تر شدن فضا داشت. عکس العمل به اعدام فرزند کمانگر و چهار نفر دیگر از فعالین سیاسی به وضوح فضای بسیار رزمنده و چپ جامعه را به همگان نشان داد. از مادر فرزند تا وکیل شیرین و فرزند، از مردم افغانستان تا مردم کردستان، از همبندان فرزند و شیرین تا تشکل های کارگری روشن و شجاعانه اعدام آنها را محکوم کردند و خواهان لغو مجازات اعدام شدند. فشار جامعه چنان بود که موسوی و کروبی را هم هرچند نیم بند ولی وادار کرد به شکلی به این اعدام ها اعتراض کنند. تعداد قلیلی از فعالین سیاسی روز عاشورا را پایان این دور از مبارزه مردم اعلام کردند اما در عوض برخی از گروه های سیاسی، بیشتر روی تداوم مبارزه مردم کوبیدند و ناتوانی رژیم در سرکوب و ارباب مردم را روشن تر بیان کردند. حزب کمونیست کارگری همچنان قاطع و منسجم بر تحلیل های خود پافشاری کرد و بدون تردید بدون حزب کمونیست کارگری و مواضع قاطع و روشنش فضای سیاسی در ایران و خارج ایران بسیار متفاوت میبود. در این دوره حزب نقش مهمی در نگهداشتن فضای اعتراض و تاثیرگذاری بر ایستادگی

جریانات دیگر ایفا کرده است.

### از اعدام دلارا تا اعدام پنج زندانی سیاسی:

اعتراض به اعدام دلارا در اول مه ۸۸ و اعتراض به اعدام پنج زندانی سیاسی در مه امسال به اوج خود رسید. در فاصله بین این دو نقطه اوج، مبارزه علیه اعدام به اشکال مختلف ادامه داشت. از طومارهایی که اینجا و آنجا تهیه میشد تا قطعنامه ها و فراخوان های مختلف، از افشاکاری بی وقفه علیه مجازات اعدام و هر حکم اعدامی در ایران و در سطح بین المللی، از برنامه های تلویزیونی کانال جدید تا سایر رسانه هایی که بویژه به مینا احدی تریبون دادند، ما این پرچم را بلندتر و بلندتر بردیم و حاصل آن مبارزه وسیعی است که امروز توسط تعداد بیشماری از نهادها و سازمانها، خانواده های زندانیان و جانبختگان، وکلا و فعالین سیاسی براه افتاده است. آتش زدن سکوی اعدام در سیرجان و اعتراضات مشابه در بهبهان و یک شهر دیگر گوشه دیگری از فضای اعتراض علیه اعدام را نشان میدهد.

جنبش علیه اعدام امروز به یک جنبش مهم و تثبیت شده در جامعه ایران تبدیل شده است. اعدام یک ستون جمهوری اسلامی و مبارزه علیه اعدام یک ستون مهم مبارزه مردم است و تا همینجا بعنوان یک فاکتور مهم جلو خیلی از اعدام ها را گرفته و رژیم را از اعدام های گسترده ناتوان کرده است. اما علیرغم این زمینه مساعد سیاسی، و علیرغم داشتن مهمترین چهره شناخته شده بین المللی در این عرصه یعنی مینا احدی و برسمیت شناخته شدن او بعنوان چهره مهم این مبارزه حتی نزد جریانات راست اپوزیسیون و برخی از جریانات ناسیونالیست کرد و در میان بسیاری از نهادها و احزاب و سازمانهای سیاسی در کشورهای مختلف، اما از نظر جنبه های سازمانی و تشکیلاتی در شش ماه اخیر هیچ نوع پیشرفتی نداشته ایم. نه سایتی، نه جزوه ای، نه کمیته ای، نه تلاشی برای ایجاد یک کمیته بین المللی بسیار معتبر و مهم در سطح دنیا و نه تمرکز برای شکل اعدام ما پیشرفتی نداشته ایم. این یکی از فکوس های سیاسی سازمانی مهم ما در دور آتی باید باشد.

### فعالیت حزب در داخل کشور:

گزارش کمیته سازمانده حزبی را حتما مطالعه کرده اید. اینجا میخوام بر چند نکته تاکید کنم:

۱- در کنگره هفتم یعنی شش ماه قبل ۱۰۶۰ جمع حزبی کوچک و بزرگ که در ارتباط مستقیم با کمیته سازمانده بودند گزارش شده بود و در این گزارش این تعداد کاهش یافته است. در گزارش کنگره گفته شده بود که برخی جمع ها بدلیل نداشتن کادرهایی که جمع را هدایت کنند و امیروند و ارتباط برای مدتی قطع میشود. بعلاوه چند ماه کانال جدید قطع بود و برخی جمع ها که اساسا تلویزیون ابزار تغذیه سیاسی آنها و مشوق تماس نزدیکشان بود در قطع ارتباط این دوره آنها موثر بود. اما از طرف دیگر جمع های کنونی دوره طولانی تری با حزب ارتباط داشته اند، بیشتر جا افتاده اند، پایدارترند، کیفیت بالاتری دارند و بعلاوه خود این جمع ها قدرت جذب بیشتری پیدا کرده و از نظر کمی نیز رشد کرده اند. به یک معنی هرچند تماس مستقیم با کمیته سازمانده در خارج کمتر شده اما تماس با جمع های حزبی در داخل گسترش یافته است. فاکتور شرایط سیاسی کنونی و فشارها و کنترل ها، دشواری تماس تلفنی در این دوره که روی تماس با تلویزیون هم تاثیر زیادی گذاشته است، و نیز دستگیری تعدادی از رفقای ما فاکتور دیگری در کاهش رشد ارتباطات در این دوره بوده است. اما این جمع ها هستند و فعالیت میکنند و بعد از مدتی سر و کله شان پیدا میشود.

۲- تاثیرات فعالیت حزب و تشکیلات داخل را در زمینه های مختلف و جنبش های اجتماعی مختلف به وضوح میتوان اشاره کرد. مسائل امنیتی اجازه نمیدهد اطلاعات چندان مشخصی از این مساله داده شود اما کافی است به خواستها و مطالباتی که در قطعنامه ها و بیانیه ها، نامه ها و سخنرانی های فعالین اجتماعی در زمینه های مختلف دیده میشود نگاه کنیم تا ببینیم چگونه این خواستها و کیفرخواست های آنها امروز به فرهنگ عمومی جامعه دارد تبدیل میشود.

۳- در زمینه اعتراضات دانشجویی، هرچند از تاثیر عمومی و سیاسی حزب میتوان خیلی روشن صحبت کرد اما از نظر گسترش رابطه با فعالین دانشجویی علیرغم رشد کمی و بهبود

در این زمینه اما کماکان نمیتوان از نیروی که بیرون حزب هم قابل مشاهده باشد صحبت کرد. با اینهمه میتوان گفت که روابط و امکانات خوبی نسبت به گذشته شکل گرفته است.

### ۴- اعتصاب عمومی در کردستان

اعتصاب عمومی در کردستان فضا را به میزان زیادی به نفع چپ تغییر داد. دامنه این تاثیرات به کردستان محدود نیست و کلا آترتاتیو چپ در کل جامعه را رشد داد. ایده اعتصاب عمومی بعنوان شکل مهمی از مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی بسیار بیشتر از گذشته جا باز کرد. موقعیت چپ بدنبال این اعتصاب و عکس العمل بسیار چپ جامعه نسبت به اعدام فعالین سیاسی راه پیشروی ما را در ایران و در کردستان هموارتر کرده است. در شکل گیری اعتصاب جمع ها و فعالین حزب نقش ایفا کردند و خبرسانی خوبی نیز در نقاط مختلف انجام دادند.

جریانات ناسیونالیست کرد در کردستان بدنبال این قضیه به تکاپوی خود افزودند و سعی کردند فضای چپ انسانی بعد از آنرا به کردایه تی برگردانند. رسانه های دست راستی مثل بی بی سی فارسی و العربیه و ... نیز فورا سعی کردند در مقابل چپ آنها را بعنوان نماینده این اعتصاب به خورد جامعه بدهند.

این مجموعه تمرکز همه جانبه ای از ما طلب میکند. نباید اجازه دهیم که رسانه های دست راستی قومپرستان و ناسیونالیست ها را نماینده مردم کردستان جا بزنند. این ما هستیم که باید این جنبش انسانی و رادیکال را نمایندگی کنیم. چپ در مقیاس اجتماعی را علیه این تشبثات راست بسیج کنیم و بدین طریق نیرو بگیریم و چپ و کمونیسم را تقویت کنیم. لازم است تمرکز بیشتری روی سازماندهی در کردستان در دستور بگذاریم.

### خارج کشور:

نه تنها در این دوره فضا بطور کاملا آشکاری به نفع سرنگونی طلبی بلکه همچنین بطرف سیاست های میلیتانت و "کنفرانس برلین" چرخیده است. دیگر بجز حواشی رژیم و سازمانهایی مثل اکثریت، به هم زدن مراسم های رژیم و حمله به سفارتخانه

ها و تخم مرغ زدن به عوامل رژیم را مورد انتقاد و افشاکاری قرار نمیدهند. در داخل کشور نیز همه دانشگاهها کنفرانس برلینی شده است. این پیروزی را باید ثبت کرد. این سیاسی است که حزب کمونیست کارگری از اواخر دهه نود میلادی در مقابل حضور نمایندگان رژیم در خارج بدست گرفت، جواب دو خردادیها و بسیاری از جریانات چپ و راست را داد و امروز در داخل و خارج کشور به سیاست حاکم بر اعتراضات و تجمعات تبدیل شده است. یک سال گذشته بدون استثنا حضور هر کدام از مقامات رژیم با اعتراض و افشاکاری وسیع دانشجویان مواجه شده و به هم خورده یا کنسل شده است. واحدهای حزب در کشورهای مختلف یک پای مهم این پیشروی ها بوده و همه جا حضور فعال داشته اند. از کانادا و آمریکا تا آلمان و هلند و سوئد و نروژ و انگلیس و دانمارک رفقای ما فعالانه به مقابله با حضور رژیم و جشن ها و مراسم هایش برخاسته اند. میزان نقش و تاثیر حزب در کشورها و شهرهای مختلف مستقیما به میزان آمادگی، سبک کار و سازمانیافتگی آن واحد بستگی داشته است. از این نظر فرانکفورت یکی از واحدهای نمونه ما بوده است که با سرعت عمل بالایی به حضور رژیم عکس العمل نشان داده و همکاری معقول و مناسبی با فعالین سیاسی و برخی جریانات سیاسی در این شهر بوجود آورده است.

از جمله واحدهایی که در این دوره نسبت به گذشته نقش بارزتری داشتند علاوه بر فرانکفورت و سوئد، واحدهای نروژ و هلند بودند. در کشورهای آلمان، کانادا، انگلیس و آمریکا نیز واحدهای حزب نقش فعال و مهمی ایفا کردند و در کشورهای فرانسه، اطریش، استرالیا، ترکیه و یونان نیز واحدها یا فعالین حزب حضور فعالی داشتند.

شرایط کنونی تغییرات مهمی را در زمینه های سبک کاری و نیز سیاست های روشن و مبتکرانه در ارتباط با تظاهرات هایی که توسط دیگران سازمان داده میشود و همینطور با نهادهای متعددی که علیه رژیم شکل گرفته است، طلب میکند که باید سریعا به آنها جواب داده شود. ناروشنی های موجود موجب بعضی زیگرگ زدن واحدهای حزب شده است و جلو ابتکار عمل را محدود کرده است. این مساله ای است

## گزارش به پلنوم ۳۴...

که باید توسط رهبری تشکیلات خارج و رهبری حزب و در ارتباط نزدیک با واحدها حل و فصل شود. به یک معنی بدرجاتی که تشکیلات خارج هدایت شده است، با آمادگی هم عکس العمل نشان داده است و هر جا هدایت نشده و ارتباط نزدیکی با کمیته خارج یا رهبری حزب نداشته است، نتوانسته است آنطور که باید و شاید نقش ایفا کند.

به موازات چپ تر شدن فضا و سرنگونی طلب شدن تعداد بیشتری از فعالین و نهادهای فعال در خارج، علاقه به همکاری و رابطه با حزب نیز زیاد شده است اما با سبک و شیوه های سابق امکان استفاده از این فضا را نمیدهد. سبک کار ما در ارتباط با دیگران، با جوانان، با نهادهایی که اشاره شد و بطور کلی با مردمی که در تظاهرات ها شرکت میکنند، بسته و غیر اجتماعی است. البته این در همه جا یکسان نیست. فی المثل واحد فرانکفورت نمونه خوبی بدست داده است، در کلن نیز اخیرا گامهای مثبتی در این زمینه برداشته شده و در استکهلم در ارتباط با جوانان الگوی جالب و تازه ای دارد جلو میرود.

روی آوری به ما زیاد است و شرایط از هر نظر برای رشد سازمانی ما مناسب است اما از نقطه نظر سازمانی و جا انداختن روتین های سازمانی، در زمینه کادر و عضوگیری و آموزش و پاتوق های حزبی و سر زدن به واحدها و غیره بسیار عقب هستیم. حتی یک لیست ساده آموزشی برای توصیه به رفقای عضو جدید که در اقصی نقاط خواهان ارتباط با ما میشوند نداریم. برای رفقای غیر فارسی زبان هم همینطور. باید مکانیزمی تعریف شود. امکانات ما در این زمینه از نظر اعضای غیر فارسی زبان و دوستانی که در کمپین هائی در رابطه نزدیک با کمپین های حزب هستند و علاقمند برای دانستن بیشتر، افزایش یافته است کمیته خارج لازم است نقشه روشنی برای جذب و ارتقای آنها و مکانیزمی برای هدایت و مطلع نگهداشتن آنها تهیه کند.

مساله بسیار کلیدی و مهم در سازمانهای حزبی اعم از داخل و کردستان یا خارج کشور این است که این دوره سرعت تحولات و تنوع مسائلی که هر روز شکل میگیرد بسیار زیاد است و هدایت روزمره و

## از صفحه ۶

تماس روزمره با واحدهای حزب از همیشه حیاتی تر است. به این دلیل نقش کمیته های حزب در هدایت روزمره تشکیلات خود بسیار حیاتی است و این بدون اختصاص یکی دو رفیق تمام وقت برای رهبری این کمیته ها عملی نیست.

ضعف های سازمانی و فقدان بسیاری از روتین های حزبی در داخل و خارج آشکارا موجب هرز رفتن نیروها شده است. صدها نفر در داخل و خارج میتوان اسم برد که به حزب نزدیک شده اند اما از آنجا که رابطه از نزدیک و فشرده ای با آنها گرفته نشده و چندان کمی از آنها بعد از مدتی و رفته اند و پاسیو شده اند. شخصا بدلیل تماس با تشکیلات های مختلف بدون استشنا و هرروزه شاهد ول شدن ارتباطات جدید هستم. به این معنی تحول همه جانبه ای در سازماندهی در همه سطوح فعالیت ما به یک نیاز حیاتی تبدیل شده است. امیدوارم در سمیناری که به این منظور برگزار میشود بتوانیم موضوع را مفصلا باز کنیم و رفقا امکان اظهار نظر بیشتری داشته باشند.

## کانال جدید:

گزارش کامل کانال جدید قبلا در اختیار رفقا قرار داده شده است. روشن است که نایل سات در مقایسه با هاتبرد بیننده بسیار کمتری دارد و در اروپا نیز تنها از طریق اینترنت قابل دریافت است. اما در عین حال در نقاطی مانند خوزستان بنظر میرسد تعداد بیننده کنونی ما بیش از دوره هاتبرد باشد. در سیستان و بلوچستان تعداد بیننده زیاد است. در سایر استانهای ایران هم بیننده داریم اما از تعداد آنها اطلاع چندان روشنی نداریم. یک شاخص مهم حساسیت های وزارت اطلاعات است که مدام تلاش میکنند روی خط بیایند و با پارازیت و طرح نکات انحرافی برنامه را از مسیر اصلی خارج کنند. بخاطر مشکل تلفن که بدلیل متعدد بسیار محدود است، برنامه های لایو اولاً فقط روزی یک ساعت پخش میشود و ثانیاً بخشی از برنامه از طریق مصاحبه تامین میشود و داغی دوره هاتبرد را مطلقا ندارد. علیرغم همه اینها کانال جدید در حال حاضر ابزار اصلی دسترسی ما به جامعه است و باید همه تلاشمان را برای نگهداشتن کانال جدید به عمل آوریم.

## فعالیت های اینترنتی حزب:

همانطور که در گزارشات جداگانه مشاهده میکنید حضور ما در اینترنت که به همت رفقای مختلف و در اشکال مختلف عملی شده است، یکی از عرصه های موفق ما در این دوره بوده است. سایت های ما هنوز بیندگانش نسبت به چیزی که باید باشد بسیار کم است و رشد آن زیاد نبوده است اما فعالیت ما در این دوره فقط به سایت های حزب محدود نیست. در چند گزارش جداگانه که قبلا در اختیار پلنوم قرار گرفته است، همانطور که ملاحظه میکنید فعالیت حزب نسبت به گذشته رشد خوبی داشته و مدیوم متنوع تر و گسترده تری را پوشش داده است. بویژه با توجه به گسترش و سرعت عمل در ترجمه اطلاعاتی ها و پیامها و متون حزبی به انگلیسی و برخی زبانهای دیگر در میان غیر فارسی زبانان نیز افزایش چشمگیری را نشان میدهد. از این طریق برخی کمپین های جانبی که توسط فعالین حزب سازماندهی شده، تعدادی از غیر فارسی زبانان نیز جذب آن شده اند. شبکه ها و فعالین سیاسی متعددی به این طریق در کشورهای مختلف تحت پوشش تبلیغی سیاسی ما قرار گرفته اند.

## مالی:

کمبود منابع مالی همچنان یک معضل مهم و نگران کننده ما است. و مساله این است که آنچنان که باید و شاید نیرو به این عرصه اختصاص نداده ایم. با اینهمه در عرصه هائی که سازمان یافته تر کار کرده ایم و نیروی بیشتری اختصاص داده ایم امکانات مالی مان هم رشد کرده است. اما هنوز از یک سوم امکاناتمان هم استفاده نمیکنیم. اختصاص نیروی بیشتر برای تامین مالی حزب، سازماندهی و تقسیم کار بهتر و هدایت سیستماتیک این فعالیت باید فوراً در دستور قرار گیرد.

در این دوره کمپین مالی دوپست هزار دلاری حزب را داشتیم که بطور نسبی موفق بود و ۱۱۵ هزار دلار از دوپست هزار دلار هدف خود را تامین کرد.

## نشریات انترناسیونال:

گزارش نشریه انترناسیونال در اختیار رفقا قرار گرفته است. این نشریه در این دوره بهبود چشمگیری را نشان میدهد. بویژه از این نظر که تعداد قابل توجهی از رفقا به نویسندگان انترناسیونال اضافه شده

اند که از هر نظر پدیده بسیار مثبتی برای حزب است. گزارش نشریه کارگر کمونیست و ایسکرا و جوانان جداگانه در اختیار پلنوم قرار گرفته و اینجا توضیح بیشتری لازم نیست.

## مانیفست آزادی زن و سکولاریست ها:

انتشار بیانیه مانیفست آزادی زن از جمله اقدامات حزب در زمینه دفاع از حقوق زنان است که مینا احدی در گزارشی در این مورد میگوید:

این مانیفست را در عرض مدت کوتاهی ۱۹۱۹ نفر امضا کردند. هم سازمانهای مدافع حقوق زن و هم فعالین مدافع حقوق زن و هم مردم عادی از کشورهای فرانسه تا هند و پاکستان و آمریکا و اسرائیل و غیره و تعداد قابل توجهی هم از ایران این مانیفست را امضا کرده اند. مردم پیام داده و اظهار نظر کرده اند. علیه زن ستیزی و اسلام و کامنت گذاشته اند و برای ما آرزوی موفقیت کرده اند.

ولی متأسفانه علیرغم زمینه مناسب برای گسترش این فعالیت و علیرغم ضرورت فعالیت فشرده و پیگیر در این عرصه، فعالیت ما تاوید نیافت و بعد از این امضاهاى اولیه متوقف شد.

در این فاصله مانیفست سکولاریست ها در ایران نیز توسط حزب تدوین و منتشر شد. و هرچند اقدامی هنوز حول آن شروع نشده است اما این مانیفست و مانیفست آزادی زن از نقطه نظر گذاشتن استانداردها و شاخص های رادیکال و روشن در این زمینه حائز اهمیت هستند. کار جدی تر حول آنها در دستور است.

## انتشارات حزب:

انتشارات حزب یعنی تهیه کتاب و جزوه و تکثیر آنها یک کار مهم ما است که از قبل از کنگره هفت دور جدیدی از فعالیت را شروع کرد و در این فاصله نیز ادامه یافت. تعداد قابل توجهی کتاب و جزوه چهل تا حدود صد صفحه از جمله به فارسی سمینار دوم مبنای کمونیسم کارگری، مانیفست کمونیست، نقد سوسیالیستی تجربه شوروی، حکومت مذهبی نمیخواهیم، این حزب شما است و به انگلیسی جزوه ای تحت عنوان مانیفست انقلاب ایران شامل تعدادی بیانیه و پیام و گزارش چاپ و منتشر شد و کلا امکانات بهتری برای چاپ ایجاد کرده ایم. این عرصه را باید جدی تر گرفت. این چه از نقطه نظر آموزش و ارتقای اعضای تازه

حزب و آشنائی علاقمندانی که به حزب نزدیک میشوند و چه از نظر اشاعه بیشتر ادبیات کمونیسم کارگری در جامعه اهمیت زیادی دارد و باید یکبار دیگر این عرصه خیلی بیشتر از اینها احیا شود و گسترش یابد. ما واحد انتشارات را کمکان جدی میگیریم و جزوات بیشتری چاپ میکنیم و همزمان باید تشکیلات خارج حول این مساله بسیار فعال تر شود.

## بعنوان یک جمعبندی:

آنچه گفته شد شمه ای از فعالیت حزب و اعضا و کادرهای حزب در این دوره بود. در این دوره فی المثل سمینارهای مختلفی سازمان داده شد، در آلمان سخنرانی های بسیار زیادی توسط مینا احدی انجام شد که هزاران نفر در آنها شرکت کردند، در انگلیس و سوئد و غیره فعالیت های متنوعی توسط کادرهای حزب در قالب غیر حزبی انجام شد که در گزارش به آن نپرداخته ام.

اگر خلاصه کنم در داخل کشور، در کردستان، در کارخانه ها و دانشگاهها و در کشورهای مختلف حجم عظیمی از فعالیت توسط واحدها و فعالین حزب انجام شده است. همین روزها شاهد حضور قوی حزب در کنفرانس سازمان جهانی کار بودیم که با انعکاسی بسیار چشمگیر در سطح بین المللی مواجه شد و در ایران نیز مورد استقبال گرمی قرار گرفت. اگر مطالبات کمونیستی در جامعه در بسیاری زمینه ها دست بالا پیدا کرده است این خودبخود ایجاد نشده است. بذری که حزب بویژه در سالهای گذشته پاشیده همه جا محصول داده است. ایده ها و مطالبات چپ، انسانی و کمونیستی بر جنبش های مختلف آزادیخواهانه در جامعه هژمونی دارد و این محصول جنگی بوده است که نه تنها علیه رژیم بلکه علیه راست جامعه توسط حزب و هزاران کمونیست و آزادیخواه دیگر بی وقفه در جریان بوده است.

اینجا میخوامم از نظر تاثیرات عمیق حزب روی جامعه ایران نکته مهمی را یادآوری کنم. امروز بسیاری از خواسته های ما که سی سال است برای آن جنگیده ایم چنان توده ای شده که شاید برای خیلی ها دین آن پرچم های اولیه ای که توسط ما بلند شد تا این مبارزه به اینجا رسید دشوار باشد. لغو مجازات اعدام اولین بار در برنامه یک دنیای بهتر در ۱۶ سال قبل مطرح



سولیداریتی" سازمان یافته بود . پتی دویونیتاس از اعضا این گروه در بریتانیا خطاب به راهپیمایان گفت : " شما با شرکتتان در این راهپیمایی همبستگیتان با قربانیان قانون شرع در اینجا و قربانیان قدرت حکومتی قانون شرع در ایران را نشان می دهید ."

این تجمع در تاریخ ۲۰ ژوئن برای گرامیداشت خاطره ندا آقا سلطان که در سال گذشته در یک تظاهرات در تهران بقتل رسید برپا شده بود تا پل رابطی باشد میان مبارزه بر علیه قانون شرع در اینجا و سایر نقاط با مبارزه جاری در ایران. در همانروز مریم نمازی با برنامه صبحگاهی بی بی سی و تعداد دیگری از رسانه های خبری مصاحبه هایی داشت .

حقوق انسان است، مساله برابری خواهیست، يك امر فمینیستی است. در تقاطی دیگر از جهان مساله مرگ و زندگیست. " جرارد فیلیپس از انجمن ملی سکولارها گفت که " قانون شرع چیزی جز تعرض به حقوق بشر و برابری نیست" وی در ادامه گفت " این دمکراسی ما را تهدید میکند ، باید در مقابل آن ایستاد" شخصیت های دیگری از جمله نشومی فیلیپس از انجمن اومانیتتهای انگلیس ، شاعر و خواننده وابسته به جنبش ضد بیعدالتی آدام بارت نیز در این گردهمایی سخنانی ایراد کردند . شرکت کنندگان در گردهمایی سپس به یک راهپیمایی اعتراضی به سمت سفارت جمهوری اسلامی ایران پیوستند که توسط "ایران

زندگی کنیم به مرکز ثقل جامعه آورده است در عین حال که از حقوق همه افراد مستقل از مذهب و نژاد و ملیت دفاع میکنیم... این کمپین بطور واقعی صدای بی صدایان است" یاسمین رحمان فعال حقوق زنان گفت " ما مسلمانان سالهای زیادی است که بخشی از جامعه بریتانیا هستیم اما نسل های پیشتر نیازی یا ضرورتی برای برقراری تبعیض مانند امروز نمی دیدند. وقتی من فعالیتیم به عنوان وکیل حقوق زنان را آغاز کردم نیازی به ارائه مدرک خولا در موارد طلاق وجود نداشت. به زنان مسلمان اکنون گفته میشود که طلاقنامه بدون مدرک "خولا" معتبر نیست و در ازدواج دوباره ارتکاب زنا محسوب میشود ."

این گناهیست که مجازات آن در بسیاری از کشورهای اسلامی مرگ است. این دیدگاه مشترک همه علمای اسلام نیست اما دیدگاهیست که توسط شورا و محکمه های اسلامی تحمیل شده است. آنا واترز یکی از اعضا تیم حقوقی یک قانون برای همه گفت " هرگونه تفسیر معقول از قانون حقوق بشر چیزهای معینی را غیر مجاز میکند. یکی ز آن چیزهایی که مجاز نیست موقعیت فرودست و درجه دوم زن در یک دادگاه و در مقابل قاضی است. این دقیقاً همان چیز است که اینجا دارد انجام میشود. سورا بسون از انجمن همجنسگرایان زن و مرد اومانیست گفت :

"در بریتانیا این موضوع (مخالفت با قوانین شرع) مساله

از صفحه ۱

در این روز "المهاجرون" يك گروه طرفدار قانون شرع تظاهراتی برای مقابله با راهپیمایی نهاد "يك قانون برای همه" بره انداخته بود. یکی از اعضای آنها گفت ما بسیاری از اینان که طالب حقوق انسان و يك قانون هستند را میشناسیم. آنها جمع میشوند و میگویند که طالب برابری هستند. اما شما آنجا که يك انسان برای انسانی دیگر قانون میگذارید به کدامین برابری دست میبایید؟ در پاسخ مریم نمازی سخنگوی يك قانون برای همه گفت: مبارزه بر علیه قانون شرع مبارزه بر علیه اسلامگرایست و نه بر علیه مسلمانان ، مهاجرین و مردمی که در اینجا و یا سایر نقاط زیر قانون شرع زندگی میکنند. بنابراین بسیار قابل انتظار است که اسلامگرایان راهپیمایی ما را با تظاهرات متقابل پاسخ بدهند. این همان صحنه اصلی مبارزه است. حزب فوق دست راستی "دفاع انگلیس" با چند عضو خود حضور پیدا کرده بودند که کله خشکی خودشان را به معرض نمایش بگذارند. این به همه و بوضوح نشان داد که چرا کمپین ما سریعاً تبدیل به پرچمدار حقوق جهانشمول، برابری و يك قانون سکولار برای همگان در این کشور و دیگر کشورها میشود. فریبرز پویا از انجمن سکولارهای ایران گفت: کمپین "يك قانون برای همه" موضوع مهم نوع جامعه ای را که ما میخواهیم در آن

## ۲۰ ژوئن موفقیتی بزرگ ...

همانروز منتشر شده بود که با راهپیمایی همزمان گردد. گیتا ساگال فعال حقوق بشر در مورد این گزارش گفت : بنظر من قابل توجه است که در بریتانیا در این مورد سکوت جای محکوم کردن را گرفته است. از این قانون فعالانه حمایت میشود دقیقاً به این خاطر که قانون شرع در انکار حقوق زن در خانواده خلاصه میشود. دستی قطع نمیشود و ظاهراً مشکلی وجود ندارد. بدبختانه حقوقدانان ارشد اغلب با این مواجه اند که مراجع متخصص حقوق بشر همین نحوه برخورد را دارند. مطالعات اندکی در باره تأثیرات قوانین خانواده و بی عدالتی ناشی از وجود سیستم های موازی عدالت انجام گرفته است. از همین روست که نکات و دستاوردهای این گزارش اهمیت زیادی دارد. اخلاصی که در این گزارش بیچشم میخورد بر نحوه نگرش متخصصین تاثیر میگذارد. او در ادامه گفت که این کمپین در مرکز میاحضات آتی جامعه بریتانیا قرار خواهد داشت. این کمپین همچنین در مقابل تلاشهایی در سطح جهانی برای نابودی پایه ای ترین حقوق برای تعدی به آزادی و در هم کوبیدن برابری آنها بنام رعایت و بسط حقوق بشر قرار دارد. ما امروز در اینجا گردآمده ایم که در راستای مبارزه برای سکولاریسم صفوف نژادپرستی و بنیادگرایی را عقب برانیم."

## توضیحی در مورد یک ویدئو کلیپ و تکذیب یک ادعا در حاشیه تظاهرات لندن روز ۲۰ ژوئن

ویدئو کلیپی از تظاهرات لندن توسط یکی از طرفداران حکومت پادشاهی تهیه شده که از گفتگوی قبلی با حزب کمونیست کارگری در لندن و اتحاد با حزب کمونیست کارگری صحبت کرده است. کمیته تشکیلات حزب در انگلیس اعلام میکند که نه هیچ تماس قبلی بین واحد حزب و این گروه سیاسی و نه هیچ اتحادی در این مورد صورت گرفته است. میتینگ چندصد نفره و بسیار موفق روز ۲۰ جون در لندن به فراخوان "يك قانون برای همه" و "ایران سولیداریتی" و به مناسبت سالروز سی خرداد و مرگ ندا از چند ماه قبل فراخوان و سازمان داده شده بود که فعالین حزب هم در آن شرکت داشتند. این تظاهراتی بود علیه قوانین اسلامی در انگلیس و در دفاع از حقوق سکولار و برابر شهروندان در این کشور و علیه

خود را چپ گذاشته اند پیدا شده اند که حرف نماینده گروه پادشاهی برایشان حجت شده و درست ادعای آنها و صحنه های مونتاژ شده توسط آنها را قورت داده و علیه حزب کمونیست کارگری لجن پرائی و نفرت پراکنی کرده اند. اینها که با صرف دیدن گروههای سیاسی یا مخالفین جمهوری اسلامی با پرچمهای مختلف در کنار هم احساس میکنند که مرز های طبقاتی شان بهم خورده است باید فکری به حال این مرزها بکنند

حزب کمونیست کارگری پرچمدار آزادی بی قید و شرط سیاسی است و برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جامعه ای میکوشد که همه جریانات از سلطنت طلبان گرفته تا چپ های سنتی و حتی فرقه های ایدئولوژیک بتوانند آزادانه فعالیت کنند و حرف خودشان را بزنند. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- واحد انگلیس ۲۱ جون ۲۰۱۰

## گزارش به پلنوم ۳۴ ...

شد و بسرعت کمپین های قدرتمندی علیه آن به راه افتاد. پرچم دفاع از آزادی بی قید و شرط سیاسی اولین بار سی سال پیش توسط اتحاد مبارزان بلند شد و در جدال با سازمان های چپ آن دوره توسط جریان ما شروع شد و همینطور جدائی مذهب از دولت، برابری بی قید و شرط زن و مرد و آزادی بی قید و شرط اعتصاب و تشکل، آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی و لغو حجاب اجباری و غیره. برای همه اینها سنگر به سنگر جنگیده ایم و امروز به جرات میتوان گفت که اینها و بطور مشخص تر ده خواست فوری حزب، به پلاتفرمهای مبارزاتی مردم در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و به فرهنگ رایج مردم تبدیل شده است. احزاب و جریانات دو خردادی و ناسیونالیست های پروغرب تماماً یا اکثراً با این خواستها مخالفند اما فضا طوری است که مجبورند سکوت کنند و حتی گوشه هائی از این

از صفحه ۷

خواستها را مطرح کنند. هژمونی در زمینه مطالبات کاملاً با کمونیست ها است. این پیروزی را باید به رسمیت شناخت، آنرا ثبت و تثبیت کرد و این اقداماتی را از ما طلب میکند. بر متن این شرایط روشن کردن شیوه و چگونگی و مکانیسمهای تبدیل شدن به حزبی که رهبری انقلاب و مبارزه در همه زمینه ها را به دوش گرفته است يك امر مهم رهبری حزب است. حزب باید تغییرات زیادی بکند و به این معنی خود حزب يك موضوع مهم کار رهبری حزب است تا در زمینه های مختلف سیاسی، ایفای نقش رهبری، در زمینه سبک کار و روتین های سازمانی بتواند پاسخگوی این دوره باشد. این جدالی است که تلاش ما، همفکری ما، برخورد نقادانه ما و در عین حال اتحاد عمیق ما را در سطوح مختلف طلب میکند. زنده باد حزب



## گزارشاتی از سراسر دنیا از برگزاری مراسم و میتینگ های اعتراضی ۳۰ خرداد

### مناسبت سالگرد قتل ندا آقا سلطان و به یاد همه جانباختگان راه آزادی

در شهرهای لاهه، لندن، پاریس، کپنهاگ، اسلو، برلین، اسلو، مالمو، استکهلم، گوتنبرگ، فرانکفورت، برمن، دورتموند، واشنگتن دی سی، مونتreal، لس آنجلس

۳۰ خرداد مالمو- سوئد



رابطه با روند جنبش انقلابی مردم و جنایات جمهوری اسلامی به زبانهای فارسی و هلندی سخنرانی کردند. پاریس: روز شنبه ۱۹ ژوئن یک گروهی از مخالفین جمهوری اسلامی در میدان سنت میشل برگزار شد که ضمن آن تظاهر کنندگان جنایات حکومت جمهوری اسلامی و رفتارهای ضد بشری این حکومت را محکوم کردند. تظاهرکنندگان خواستار سرنگونی جمهوری اسلامی و جایگزینی رژیم اسلامی با یک رژیم دمکراتیک شدند. قابل ذکر است که در این تجمع علاوه بر قرائت پیام حزب سوسیالیست فرانسه، نمایندگان از چند حزب فرانسوی از جمله نماینده حزب کمونیست فرانسه، شهردار یکی از مناطق شهری پاریس، نماینده بزرگترین سندیکای کارگری فرانسه معروف به "سوته" شرکت و در حمایت از مردم ایران ایران سخنرانی کردند.

اسلو: روز شنبه ۱۹ یونی تجمع اعتراضی مخالفان جمهوری اسلامی در محل سفارت رژیم اسلامی در اسلو نوژ به فراخوان تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری واحد نوژ و تشکیلات نوژ حزب کمونیست ایران برگزار شد. در این تجمع طی سخنرانیهای کوتاهی توسط شرکت کنندگان یاد و خاطره جانباختگان ۳۰ خرداد ۸۸، ندا آقا سلطان و دیگر جانباختگان و هم چنین یاد جانباختگان کشتارهای ۳۰ خرداد ۶۰ توسط رژیم جنایت پیشه و فاشیستی اسلامی گرامی داشته شد. تجمع کنندگان همچنین در طی سخنرانیها و شعارهای خود حکومت فاشیست اسلامی را به خاطر کشتار مخالفین و اعدام بیش از صد هزار نفر در طول

کپنهاگ: تظاهراتی در سالگرد کشته شدن ندا و به یاد او و دیگر جانباختگان مبارزات یکساله مردم ایران و در حمایت از مبارزات مردم ایران در مرکز شهر کپنهاگ برگزار شد. در این مراسم خانم Lisa Blinkenberg نماینده امنستی اینترناسیونال، خانم Yildiz Akdogan نماینده پارلمان از حزب سوسیال دمکرات، آقای Frank

لاهه: روز یکشنبه ۲۰ ژوئن به دعوت تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران، کمیته بین المللی علیه اعدام و کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در هلند تظاهراتی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در شهر لاهه هلند برگزار شد. در این تظاهرات که در گرمیداشت ۳۰ خرداد سالگرد خیزش انقلابی مردم ایران و روز جهانی ندا برگزار شد، تعدادی از مخالفین رژیم اسلامی، اعضا و دستداران حزب کمونیست کارگری ایران در مقابل سفارت جمهوری اسلامی تجمع کرده و با سر دادن شعارهایی علیه جمهوری اسلامی، حمایت و همبستگی خود را از انقلاب مردم ایران علیه کل رژیم اسلامی ابراز کردند. مردم در این تجمع با سر دادن شعارهایی به زبان هلندی و فارسی مانند مرگ بر جمهوری اسلامی، جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته اش رفتنی است، دیکتاتور سرنگون سرنگون و سفارت اسلامی این لانه جاسوسی برچیده باید گردد و دیکتاتور اسلامی این آخرین پیام است جنبش انقلاب آماده قیام است، جمهوری اسلامی مرگت فرا رسیده و طلایع آزادی روزت فرارسیده فضای حوالی سفارت جمهوری اسلامی را به لرزه درآوردند. در این تظاهرات فرهاد حسینی، پریسا پوینده و فرشته مرادی در

### تظاهرات ۳۰ خرداد در لندن

روز ۲۰ ژوئن برابر با ۳۰ خرداد، سالگرد قتل ندا، خیابانهای لندن شاهد راه پیمایی صدها نفر از مردم آزادیخواه و عدالت طلبی بود که با شعارهایی چون "نه قانون شریعه، نه قانون اسلامی، نه قانون مذهبی، یک قانون سکولار برای همه" صدای آزادیخواهی، صدای مردم به تنگ آمده از دخالت مذهب در زندگی خصوصی شان و صدای زنان و کودکان قربانی قوانین اسلامی را به گوش جهانیان رساندند. مردم از ساعت ۲ تا ۴ بعد از در خیابان وایت هال و در مقابل دفتر نخست وزیری بریتانیا تجمع کردند، با سخنرانی

سخنرانی خود از جمله به این نکته اشاره کرد که وجود دادگاه های شریعه در بریتانیا محصول گسترش جنبش اسلام سیاسی است که با سرنگون شدن جمهوری اسلامی در ایران دوره افول خود را شروع خواهد کرد. مریم نمازی مردم آزادیخواه جهان را به حمایت از مبارزات مردم ایران برای پایان دادن به عمر حکومت اسلامی فراخواند.

راه پیمایی از ساعت ۴ بعد از ظهر از مقابل دفتر نخست وزیری بریتانیا بطرف سفارت جمهوری اسلامی شروع شد. راه پیمایان با حمل بنرها و پلاکاردهایی که بر روی آنها شعارهایی در دفاع از حقوق برابر انسانی و در مخالفت با قوانین

تبعیض آمیز اسلامی و مذهبی نقش بسته بود، با سر دادن شعارهایی در مخالفت با دخالت اسلام و مذهب در زندگی خصوصی و اجتماعی انسانها و در مخالفت با حکومتهای اسلامی بعد از یک ساعت در مقابل سفارت جمهوری اسلامی تجمع کردند و شعارهای سرنگون باد جمهوری اسلامی سر دادند. در این تظاهرات و راه پیمایی فعالین حزب کمونیست کارگری ایران فعالانه شرکت کردند.

جریانات اسلامی در انگلیس که فشار کمپین قانون برابر برای همه را در تقابل با قوانین شریعه حس میکنند به خیابان آمده بودند و پلاکاردهایی با شعارهای اسلام راه حل است دمکراسی سرطان است، و

قوانینی که توسط بشر نوشته میشود باید به جهنم برود در دست داشتند. حضور تعداد زیادی از مردم انگلیس و فعالین نهادهای مدافع سکولاریسم و حقوق انسان در این تظاهرات و همینطور حضور تعداد قابل توجهی از زنان و جوانان در این تظاهرات قابل توجه بود.

تلاش اسلامی ها در کانادا برای تحمیل قوانین شریعه به جامعه قبلا توسط فعالین حزب کمونیست کارگری شکست خورده است و اسلامی های انگلیس اینرا میدانند و با تمام قوا میخواهند جلو پیشروی کمپین قانون برابر برای همه را سد کنند. این تظاهرات موفقیت قابل توجهی برای این کمپین بود.

صفحه ۱۰

## گزارشاتی از سراسر دنیا...

حاکمیت سپاه خود محکوم کرده و خواهان دستگیری و محاکمه سران جنایتکار رژیم شدند. همچنین در طول تظاهرات بر ادامه جنبش آزادیخواهانه و انقلابی مردم ایران تا سرنگونی کامل رژیم و برقراری یک حکومت انسانی تاکید شد. در این گردهمایی تاکید شد که روز ۲۰ ژوئن از طرف کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی ایران اعلام شده است و خواست آزادی فوری کلیه زندانیان سیاسی و برچیدن مقوله زندانی سیاسی خواست جنبش آزادیخواهانه و از دستورات مبهم انقلاب مردم ایران است.

برلین: شبکه‌ی جوانان ایرانی در برلین در روز ۱۹ ژوئن برابر با ۲۹ خرداد به مناسبت سالگشت ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ آکسیونی را با نام «هنر در خیابان»، در چهار راه پتسداما پلاژ برلین برگزار کرد. هدف از برگزاری این آکسیون «حمایت از زندانیان سیاسی در ایران و همبستگی با جنبش اعتراضی مردم» بود. در این آکسیون برخی از نقاشان ایرانی ساکن برلین مانند کانی علوی، اکرم ابویی، سوسن سهی و کیانوش مجیدی نیز حضور داشتند و بر روی پارچه‌ی سپیدی در ابعاد ۱۵ در ۱۵ نقاشی کردند. همچنین تعدادی از دانشجویان ایرانی رشته‌های هنری در برلین و نیز چند نفر از نقاشان جوان آلمانی در این آکسیون حضور یافتند.

این حرکت اعتراضی هنری توانست توجه بسیاری از عابرن را جلب کند و افراد زیادی از کشورهای مختلف جهان روی این پارچه نقاشی کردند یا خطی در دفاع از جنبش مردم ایران و زندانیان سیاسی نوشتند. از جمله والریو، نقاش ایتالیایی که به طور اتفاقی با صحنه‌ی آکسیون مواجه شد و اثری را روی این پارچه ثبت کرد. مراسم از ساعت ۳ بعدازظهر آغاز شد و در ساعت ۸ شب پایان یافت. همچنین روز ۲۰ ژوئن از سوی فعالین حزب یک میز اطلاع‌رسانی به مناسبت سالگرد قتل ندا و همه جانبختگان راه آزادی در برلین برگزار شد.

مالمو: به فراخوان فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - مالمو کمیته دفاع از حقوق زنان ایران - مالمو همکاری ایران سولیدارتی تظاهراتی در مرکز شهرمالمو به مناسبت سالگرد قتل ندا و همه جانبختگان راه آزادی برگزار شد. در این برنامه پرچم‌هایی با تصویر ندا تهیه شده و در محل

## از صفحه ۱

تظاهرات برافراشته شد که جلوه دیگری به این حرکت اعتراضی می داد. سه باندول بزرگ که بر روی آنها نوشته شده بود "در ایران: انقلاب انسانی برای حکومت انسانی"، "قاتلین ندا را سرنگون می کنیم" و "مرگ بر جمهوری اسلامی" توجه‌ها را به خود جلب می کرد.

فعالین حزب کمونیست کارگری با پخش اعلامیه‌هایی در بین عابرن به آنها اطلاعاتی در مورد این روز و جنایات جمهوری اسلامی در طول این ۳۱ سال می دادند. این تظاهرات با ترانه‌هایی که در محل پخش می شد و گلهایی که بر روی عکس‌های عزیزان جان باخته گذاشته شده بود و دیدن چهره‌هایی آشنا از جمله ندا، فرزند و سهراب علاقه و سیمپاتی مردم را به خود جلب می کرد. در این میتینگ شرکت کنندگان نوشته‌های مربوط به ده خواست فوری مردم ایران را در دست داشتند و در معرض دید عابرن قرار دادند. حسن صالحی از کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری به زبان سوندی در مورد خواستهای مردم به پا خاسته ایران سخنرانی کرد. مردم با علاقه به وقایع مهم سیاسی در ایران توجه میکردند و حمایت خود را از این مبارزات به اشکال مختلف ابراز میکردند. در پایان حاضرین با انداختن شاخه‌های گل به رودخانه شهر به تمامی عزیزان جان باختگان راه آزادی ادای احترام کردند و عهد بستند که تا آخر راه نداها و هزاران ندای دیگر را که توسط این جانینان به قتل رسیدند را ادامه دهند.

استکهلم- روز یکشنبه ۲۰ ژوئن یک میتینگ اعتراضی از طرف مردم آزادیخواه در میدان مرکزی شهر استکهلم بنسبت سالروز قتل ندا آقا سلطان و بیاد جانبختگان کشتارهای جمعی سال ۶۰ برگزار شد.

در این میتینگ چندین نفر به زبانهای سوندی و فارسی از جمله افسانه و حدت، مهین علیپور، ممد امیری و الیا تابش و چند جوان دیگر به نامهای غوغا، وحید، مریم که تازه از ایران آمده بودند. صحبت کردند.

سخنرانان هر کدام از زوایای مختلف به جنایت پیشگی جمهوری اسلامی و مبارزه مردم ایران برای بریز کشیدن این حکومت پرداختند. شرکت کنندگان در این میتینگ با در دست داشتن عکس ندا سمبل مبارزات مردم ایران علیه رژیم اسلامی و همه کسانی که در طی

یکسال گذشته توسط آدم کشان اسلامی بقتل رسیدند و همچنین یاد و خاطره کشته شدگان دهه ۶۰ را گرمی داشتند. آکسیون با سردادن شعارهای علیه جانینان اسلامی مانند مرگ بر جمهوری اسلامی، قاتلین ندا ها باید سرنگون شوند، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، ما حکومت اسلامی نمیخواهیم، مرگ بر خامنه ای و ندای ما نمرده این حکومت است که مرده و پخش موزیک و خواندن شعر ادامه پیدا کرد. در ادامه تظاهرات کنندگان با در دست داشتن عکس ندا که روی آن نوشته شده بود ما قاتلی ندا را سرنگون خواهیم کرد و شاخه گل، دست به یک راهپیمایی سمبلیک بطرف پارلمان سوند زدند و نزدیک پارلمان تجمع کردند و گلهای را بیاد جانبخته گان راه آزادی در آب انداختند.

گوتنبرگ- به مناسبت سالروز قتل ندا توسط جنایتکاران جمهوری اسلامی، تشکیلات حزب کمونیست کارگری ایران واحد گوتنبرگ در مرکز شهر اقدام به دایر کردن یک میز اطلاع رسانی به همراه نمایشگاه عکس از جانبختگان راه آزادی کرد که مورد توجه مردم شهر قرار گرفت.

فرانکفورت: روز یکشنبه ۲۰ ژوئن همزمان با سالگرد قتل ندا آقا سلطان. مراسمی در گرامیداشت یاد همه جانبختگان در شهر فرانکفورت آلمان برگزار گردید. این برنامه به فراخوان کمیته علیه اعدام و واحد فرانکفورت حزب کمونیست کارگری ایران سازمان داده شده بود. از ساعت ۳ بعد از ظهر تجمع کنندگان در مرکز شهر فرانکفورت با در دست داشتن پرچم‌های بزرگ مزین به عکس ندا، به همراه پوسترها و پرچها و با در دست داشتن پلاکاردهایی که بر روی آنها شعارهایی بر علیه جنایات جمهوری اسلامی در سرکوب مبارزات مردم نوشته شده بود، به طرف پل روخانه ماین راه پیمایی کردند. این حرکت اعتراضی توجه تعداد زیادی از مردم را به خود جلب کرد، بطوریکه بعد از رسیدن به روی پل روخانه ماین تعدادی از مردم به صف معترضان پیوستند. در روی پل روخانه ماین پرچمهای بزرگ به همراه عکس‌ها و پوسترها نصب گردید که توجه‌ها را به خود جلب کرد. در ادامه این حرکت اعتراضی به یاد ندا و به یاد همه جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم روحانه ماین گل باران شد. بعد از اتمام این حرکت سمبلیک تجمع کنندگان به مرکز شهر فرانکفورت برگشته و به در دست داشتن پرچمها



و عکس‌های جانبختگان بر علیه جنایات و سرکوبگریهای جمهوری اسلامی اقدام به شعار دادن بر علیه جمهوری اسلامی کردند، که با استقبال خوب مردم و رهگذاران قرار گرفت و برای مدتی مرکز شهر فرانکفورت را تبدیل به صحنه اعتراض بر علیه جمهوری اسلامی کرد.

برمن: در برمن فعالین حزب کمونیست کارگری ایران با برگزاری یک چادر اطلاع‌رسانی و برقراری نمایشگاه عکس. یاد ندا و همه قربانیان جمهوری اسلامی را گرمی داشتند و افکار عمومی شهر را متوجه مبارزات قهرمانانه مردم ایران کردند.

دورتومند: گردهمایی حامیان مادران عزادار ایران - مادران صلح دورتومند در روز شنبه ۱۹ ژوئن در خیابان کاتارینن- دورتومند انجام شد.

واشننگتن دی سی: ایرانیان آزادیخواه

## کمک های مالی به کانال جدید

رضا آبادانی ۱۰۰ پوند

کتایون رضوی نیا و پیمان بخشایش ۴۰۰۰ کرون

جمیله دهباری ۵۰۰۰ کرون شهلا دانشفر ۹۰ پوند

از ایران: یک هوادار از جنوب ایران ۴۰۰ هزار تومان

حوزه انترناسیونال ۶۸۰ هزار تومان

با قدردانی از این عزیزان

## کارگران گندوله سازی گل گهر سیرجان به اعتراض خود ادامه میدهند

۴۰۰ کارگر گندله سازی شرکت گل گهر در سیرجان، ششمین روز اعتصاب خود را با موفقیت پشت سر گذاشتند و در روز ۲۹ خرداد در محل کارخانه دست به تجمع اعتراضی زدند.

کارگران این واحد با سابقه پنج سال کار کماکان بصورت قراردادی در انتظار پایان پروژه و استخدام رسمی، کار احداث راه اندازی گندله سازی را به سرانجام رساندند. از اوایل سال جاری و پس از افتتاح شرکت به کارگران اعلام گردید که قرارداد آنان به پایان رسیده و نیروی کار جدید از طریق آزمون استخدامی بکار گرفته خواهد شد. پس از انجام آزمون، تنها چهل نفر از کارگران بکار گرفته شدند.

کارگران در اعتراض به این حيله و توطئه ای که برای اخراجشان صورت گرفته بود دست به اعتراض زدند و از روز دوشنبه ۲۴ خرداد اعتصاب خود را آغاز کردند. کارگران طی سه روز متوالی از ۲۶ تا ۲۸ خرداد در مقابل واحد اداری

شرکت گل گهر، به مقابل فرمانداری سیرجان رفتند و ساعاتی راهم در مقابل فرمانداری تجمع کردند. پس از بی پاسخ ماندن خواسته های کارگران در اعتراض به اخراجشان، تعدادی از آنان بعنوان نماینده برای پیگیری وضعیت خود راهی تهران شدند اما بدون نتیجه مشخص به سیرجان بازگشتند. روز ۲۹ خرداد کارگران این شرکت بار دیگر دست به تجمع زدند و خواهان پاسخگویی و حضور محمد جلال ماب مدیر عامل شرکت در تجمع اعتراضی خود گردیدند. اما باز هم پاسخی نگرفتند. در آخرین نشست بین نمایندگان کارگران با کار فرما، نمایندگان کارگران با اعتراض به بی مبالائی و بی پاسخ ماندن خواسته هایشان جلسه را ترک گفتند.

در تجمع اعتراضی روز ۲۹ خرداد، حفاظت شرکت گل گهر کارگران را مورد ضرب و شتم قرار داد و بین کارگران و عوامل کارفرما درگیری پیش آمد. بنا به گزارشها با حاد شدن موضوع، شورای تأمین

## گزارشی از سخنرانی مینا احدی در شهر زیگن در آلمان

روز پنجشنبه ۱۷ ژوئن مینا احدی در شهر زیگن در مورد انقلاب مردم ایران علیه حکومت اسلامی و زمینه های شکل گیری این انقلاب و راههای به پیروزی رساندن آن سخنرانی کرد. حضور جوانان علاقمند و بویژه زنان در این جلسه چشمگیر بود. در این سخنرانی که در محل یک نهاد ضد راسیستی برپا شد، در ابتدا یکی از مسئولین این نهاد به حاضرین خوشامد گفت و نهاد خود را معرفی کرد و سپس با معرفی مینا احدی و بیوگرافی او از وی خواست که سخنرانی کند.

مینا احدی در بخشی از سخنرانی خود گفت: گفت: این مبارزات فریاد اعتراض میلیونها نفر علیه یک حکومت فاشیست اسلامی است که سی و یکسال است زندگی مردم را به جهنم تبدیل کرده، این انقلابی است علیه دخالت مذهب در زندگی مردم، انقلابی برای سکولاریزم و جهانشمولی حقوق انسانی، انقلابی برای رفاه و آزادی و زنان نقش بسیار فعالی در آن بازی میکنند. مینا احدی گفت، موسوی و شرکا خود جزئی از این سیستم بوده و اکنون نیز برای حفظ

شهر برای مقابله با اعتراضات کارگران جلسه اضطراری تشکیل داد. کارگران گندوله سازی گل گهر سیرجان اعلام کرده اند که تا پاسخ به خواست استخدام آنها در شرکت به اعتراض خود ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری، ضمن پشتیبانی و حمایت از کارگران گندوله سازی گل گهر سیرجان، بار دیگر بر نقش مهم خانواده های کارگران در پیشبرد قدرتمند اعتراضات کارگران تاکید میگنارد و از مردم شهر سیرجان میخواهد که از خواستها و مبارزات این کارگران حمایت کنند. اتحاد و مبارزه یکپارچه ضامن پیروزی و تحقق خواسته های ماست.

آزادی، برابری، حکومت کارگری زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی  
مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران  
سوم تیرماه ۱۳۸۹، ۲۴ جون ۲۰۱۰



برگزاری جلسه در خارج از محل دانشگاه شد. این موضعگیری دانشگاه زیگن با اعتراض گسترده نهادهای دانشجویی مواجه شد و بلافاصله بعد از آن يك سازمان آنتی راسیست، سالی را برای برگزاری جلسه در اختیار دعوت کنندگان گذاشت.

گروه مستقل زنان دانشگاه زیگن در آغاز سخنرانی در مورد این واقعه به حاضرین گزارشی داد و اعلام کرد که دانشگاه محل برگزاری جلسات متعدد است و مسئولین دانشگاه بدون اینکه له و یا علیه مضمون جلسات باشند، امکان برگزاری این جلسات را فراهم میکنند. بویژه اینکه وقتی يك سازمان دانشجویی یا آنتا "تشکل دانشجویان" فراخوان به جلسه میدهد، بدعت غیر قابل تصوری است که يك جلسه با توجیه نئوترال بودن دانشگاه از دادن امکان برگزاری جلسه به دانشجویان خودداری کند. تهدیدات و اعمال فشار سازمانهای اسلامی و یا حتی حکومت اسلامی ایران در این مورد باید بررسی شود.

## اعتراضات وسیع به عدم پرداخت دستمزدها در مجتمع های صنعتی اراک!

کند. در حال حاضر صرفا دستمزدهای فروردین و اردیبهشت ماه کارگران واکن پارس پرداخت شده و از پرداخت دستمزد خرداد ماه کارگران خبری نیست. شهر اراک شهری با مراکز کارگری بسیار يك مرکز هر روزه اعتراض و مبارزه کارگران است. مساله دستمزدهای پرداخت نشده و بیکارسازی ها و سطح نازل دستمزدها نه تنها مساله کارگران آموورول اراک و واکن پارس بلکه مساله کارگران صنایع اراک و آوانگان اراک و دیگر کارخانجات این شهر نیز هست. متحد شدن این اعتراضات، اعتراضات همزمان این کارگران با خواستها و بیانیه های روشن، شرکت فعال خانواده های کارگران در این مبارزات بدون شك نیروی عظیمی را به حرکت در خواهد آورد و با پشتیبانی مردم این شهر روبرو خواهد شد، باید با تمام این قوا به میدان آمد.

این حکومت اسلامی سرمایه داران است که ضامن بقای وضعیت ضد بشری علیه کارگران است. این خشونت سازمان یافته دولتی است که دست سرمایه داران را برای میکیدن خون کارگران باز میگنارد. این فشار و استثمار وحشیانه در سایه و پناه حکومت اسلامی قابل تحقق است.

عدم پرداخت دستمزدها بخشی از جنایت هر روزه طبقه سرمایه دار است. برای خاتمه دادن به این بردگی، باید متحد و یکپارچه عمل کرد.

آزادی، برابری، حکومت کارگری زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی  
مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران  
سوم تیرماه ۱۳۸۹، ۲۴ جون ۲۰۱۰

طبق گزارش دانشجویان در صحبت با مقامات دانشگاه به مصاحبه های مینا احدی در نقد اسلام اشاره شده و اینکه دعوت به يك سخنران منتقد اسلام و از فعالین سرشناس اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران را برخلاف نتوترال بودن دانشگاه اعلام کرده اند.

يك افتضاح سیاسی است و تشکلهای دانشجویی بزودی در این مورد در زیگن جلسه ای داشته و با امضا طومار و برگزاری جلسه افشاگری به این رفتار مسئولین دانشگاه اعتراض خواهند کرد.

ما در اطلاعیه های بعدی نتایج این مباحثات و اقدامات شبکه مستقل زنان دانشگاه زیگن را اعلام خواهیم کرد.

(شورای مرکزی اکس مسلم- آلمان)- ۱۹ ژوئن ۲۰۱۰

**يك دنیای بهتر بر نامه حزب را بخوانید  
و در سطح وسیع توزیع کنید**

## زنده باد ۱۸ تیر! روزی برای گسترش انقلاب مردم علیه رژیم مفلوک اسلامی!

مردم شریف و آزاده را در سراسر ایران و در خارج کشور فرامیخواند تا از هم اکنون برای برپایی تظاهرات و اجتماعات در سالگرد ۱۸ تیر تدارک ببینند. جمهوری اسلامی زیر فشار انقلاب ما در آشفته ترین و ضعیف ترین موقعیت خویش قرار دارد. نباید به این جانیان مهلت داد. هر روز ادامه عمر ننگین این جانوان اسلامی به معنی تداوم مصائب بی شمار برای جامعه و هزینه های سنگین تر در آینده است. ۱۸ تیر فرصتی است تا صفوف انقلاب و دخالگری مردم برای بدست گرفتن سرنوشت خویش را متحدر و متشکل تر کنیم و رژیم اسلامی را یک قدم دیگر به سرنگونی به نیروی انقلاب مردم نزدیکتر کنیم.

برای اعلام نفرت علنی علیه جمهوری اسلامی ادامه دارد و حتی حضور سنگین خود در خیابانها را در وحشت و اضطراب مقامات نظامی در برابر هر مناسبت و برقراری عملی حکومت نظامی اعلام میدارد. برای هر ناظر واقع بینی روشن است که جمهوری



اسلامی قادر نیست برای مدت طولانی دوام آورد. ۱۸ تیر و سنت مبارزاتی که حول آن شکل گرفته است فرصتی فراهم می آورد تا در این روز وسیعاً به میدان آمد و مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را گسترش داد. حزب کمونیست کارگری همه

ریختگی اداری، تناقض گویی های مقامات و متهم کردن یکدیگر و روحیه باختگی عناصر رژیم از بالا تا پایین، برای بقاء دست و پا میزنند. انقلاب گرچه از مهمترین سلاح خود، یعنی تظاهرات های بزرگ خیابانی، موقتا و اساساً در اثر وحشیگری رژیم اسلامی محروم شده، اما در

کلیدی در شکستن فضای ترور و وحشی داشت که رژیم با برپایی کهریزک و کشتار ۳۰ خرداد موقتا به انقلاب حاضر تحمیل کرده بود. تظاهرات ۱۸ تیر پارسال راه پیشروی تظاهرات های بعدی از جمله ۸ مرداد، ۱۳ آبان، ۱۶ آذر و ۶ دی (عاشورا) را گشود که تا مرز درهم

سالگرد ۱۸ تیر ۷۸، "شش روزی که جمهوری اسلامی را لرزاند" و دوره جدیدی در سیاست ایران آغاز کرد، فرا میرسد. ۱۸ تیر نقطه عطفی در مبارزه مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی سرآغاز حرکتی بود که به انقلاب حاضر ارتقاء یافته است. روزهایی که تهران و برخی شهرهای دیگر چهره قیام به خود گرفت؛ شعارهایی نظیر "آزادی اندیشه با ریش و پشم نمی شه" خیابانها را به لرزه انداخت؛ عباراتی نظیر "انقلاب دوم ایران؟" بر جلد نشریاتی چون "اکونومیست" نقش بست؛ معلوم شد که "پروژه اصلاح" و تعدیل جمهوری اسلامی توهمی ارتجاعی بیش نیست و عزم نسل جوان و مردم ایران برای به گور سپردن کل بختک اسلامی را به جهان اعلام کرد.

شکستن ماشین سرکوب حکومت اسلامی در تهران به پیش رفت. امسال در شرایطی به ۱۸ تیر نزدیک میشویم که جمهوری اسلامی در محاصره انقلاب مردم، درگیر حادثه ترین دعوای درونی، رسوا تر و منزوی تر از هر زمان در سطح بین المللی، بر متن گسترش فلج و درهم

از آن زمان تاکنون ۱۸ تیر هر سال مایه کابوس و وحشت رژیم اسلامی و منبع الهام و فرصتی برای اعتراض متحد و تظاهرات علیه جمهوری اسلامی در داخل و خارج کشور بوده است. سال گذشته نیز تظاهرات های سالگرد ۱۸ تیر نقشی

زنده باد ۱۸ تیر  
سرنگون باد جمهوری اسلامی  
زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۳ تیر ۱۳۸۹، ۲۴ ژوئن ۲۰۱۰

دنیا را میکند.  
با احترام:  
مینا احدی مسئول کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار  
شهلا دانشفر - کمیته همبستگی با کارگران ایران  
مهین علیپور مسئول سازمان علیه تبعیض، سازمان دفاع از حقوق زن مریم نمازی - مسئول ایران سولیدارتی - انگلستان  
۲۰ ژوئن ۲۰۱۰

انتقادی پاسخ نداده و بارها و بارها بی خاصیت بودن خود را نشان داده است. به احترام مبارزه مردم ایران، سفارتخانه هایشان را که این روزها مدارک محکمتری دال بر دست داشتن آنها در آدم ربائی و عملیات تروریستی هم رو شده است، ببندید. آپارتاید جنسی و حجاب اجباری را محکوم کنید، خواهان محاکمه سران رژیم اسلامی شوید، از مجامع جهانی بیرونشان کنید. اینها رفتنی هستند و نه تنها مردم ایران بلکه مردم دنیا اقدامات شما را به دقت

### نامه سرگشاده به سازمان ملل و اتحادیه اروپا: سفارتخانه های حکومت آپارتاید جنسی را در همه جا ببندید!

میگیرند اعدام میکنند، تروریست را میکشند، دزد را مجازات میکنند، ولی نوبت که به قانون خدا که مافوق قانون بشر می باشد، میرسد، اگر کسی اجرا نکند، سکوت میکنند و میگویند باید کار فرهنگی بشود...

این بخشی از سخنان جنتی رئیس شورای نگهبان حکومت اسلامی است که بوی خون میدهد. دستگیری ها و تذکرها و جریمه ها و توهین های هرروزه به زنان و مردم نتیجه نداده و غیر مستقیم فرمان اعدام صادر کرده است.

آقایان و خانم ها در سازمان ملل و اتحادیه اروپا باور کنید که مقررات اسلامی فرهنگ مردم نیست و با ۳۱ سال جنایت هم موفق به حاکم کردن آن نشده اند. قبول کنید که دیالوگ

دعوا در بین باندهای حکومت اسلامی در مورد حجاب، بیانگر آشکار ضعف و بهم ریختگی صف حاکمین در مقابل زنان معترض به حجاب است. طرح های مختلف سرکوب زنان و وادار کردن آنها به پوشیدن حجاب اجباری حکومتی بر اثر مقاومت هرروزه زنان و مردم آزادیخواه بارها شکست خورده و دعوا میان سران رژیم در مورد نحوه کنترل زنان را به اوج خود رسانده است. و این فضا را برای پیشروی بیشتر مردم و عقب راندن تحمیلات مذهبی بیشتر فراهم کرده است. در چنین فضایی بار دیگر حمله به زنان بخاطر بدحجابی شدت گرفته و از جمله جنتی رئیس شورای نگهبان حکومت روز ۱۸ ژوئن در نماز جمعه گفته است:

....من نمیدانم قاچاقچی را

جنتی رئیس شورای نگهبان جمهوری اسلامی غیر مستقیم فرمان قتل زنان "بدحجاب" را داد!

#### خانمها و آقایان!

یکسال است که میلیونها نفر از مردم ایران، با یک انقلاب عظیم علیه حکومت اسلامی ایران و برای سرنگونی این حکومت مبارزه میکنند. دنیا ناظر است که زنان در صف اول این مبارزه ایستاده اند. حکومت اسلامی ایران، حکومت مبتنی بر آپارتاید جنسی است و یک سمبل مهم این جداسازی جنسیتی و بی حقوقی زنان تحمیل حجاب اسلامی است.

سی و یکسال است که زنان علیه حجاب این سمبل جنبش اسلامی، مبارزه میکنند و حکومت اسلامی ایران را در این زمینه به عجز و ناتوانی کامل کشانده اند. جنگ و

#### انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود